

**افتخار الواعظین** - در باب اینماده در کمیسیون خیلی مذاکرات شد و گمان میکنم اگر بنده هرايض نارض است هیچ مربوط نیست باینماده لکن باعرض میکنم که بعضی فرمایشات اجتهاد مقابل نص است و از آقای ارباب سؤال میکنم که اگر جناب عالی بدانید که يك کسی که طرف معامله است با مردم بنام شرکت و در یکماده هم نوشته ایم که اختیارات مدیر یا مدیران را نمی توان محل نوشت و در شرکت نامه باید حدود آنرا معلوم کرد پس اداره کننده آن شرکت مدیر است و بنام شرکت با مردم طرف معامله میشود لیکن از خودشان سؤال می کنم که اگر یکشرکتی باشد که يك آدم خارجی را در آن آورده باشد اجیر کرده باشد و باو يك مواجی از طرف شرکت بدهند او بیشتر بمنافع شرکت توجه خواهد کرد یا يك کسی که خودش از شرکاه مسئول است و مبلغی سرمایه دارد و از شرکاه مسئول بلا حداست و میداند که اگر چنانچه خسارتی و قرضی بشرکت وارد شد او ذمه دار است آنوقت شما باو بیشتر اعتماد دارید یا بيك مدیر خارجی .

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست ( اظهار کردند کافی است )

**رئیس** - دو فقره اصلاح رسیده است قرائت میشود ( ترتیب ذیل قرائت شد ) از طرف حاج شیخ علی - بنده پیشنهاد میکنم ماده ( ۵۰ ) اینطور نوشته شود مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معین بانتخاب معین میشود

از طرف حاج عزالمالك - ماده ۵۰ مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معین بانتخاب شرکاه معین میشود .

**افتخار الواعظین** - اینماده با پیشنهادها بکمیسیون برگردد از طرف حاج آقا - ماده ۵۰ مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معین بانتخاب شرکاه معین خواهد شد

**رئیس** - اینماده با پیشنهادهایی که شده است بر میگردد بکمیسیون جمعی از آقایان هم چون کاری دارند تقاضا کرده اند جلسه زودتر ختم شود اگر مخالفی نباشد بقیه شور این قانون بماند بجلسه آتی دستور پنجشنبه قانون شرکتها را بپورت کمیسیون بودجه راجع به شتاب و نه هزار تومان برگشتی از بودجه دربار راجع برایشی که از ولایات رسیده است مربوط بامتداد مجلس - راپورت کمیسیون بودجه راجع باریاب لطف الله و انتخاب السلطنه قانون منع احتکار راهم جزء دستور میگذاریم

**دکتر سعیدالاطبا** - راپورتی از کمیسیون خواند غلام آمده است بنده تصور میکنم جزء دستور گذاشته میشود حالا تقاضا میکنم جزء دستور پنجشنبه گذاشته شود .

**رئیس** - چون معلوم نیست که چند جلسه مانده است باخر دوره تقنینیه مجلس باینجه خوب است آقایان روز پنجشنبه قدری زودتر تشریف بیاورند سه ساعت ونیم بزوبه مانده حاضر باشند در اینموقع که بیست دقیقه از شب گذشته است رئیس حرکت کرد مجلس ختم شد

**جلسه ۴۱۹**

**صورت مشروح يوم پنجشنبه ۱۷**

**شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹**

**رئیس** ( آقای مؤمن الملك ) سه ساعت و ربع قبل از غروب بجای خود جلوس نموده و پس از بیست دقیقه مجلس افتتاح شد - صورت مجلس روز سه شنبه را آقای آقا میرزا رضاخان نائینی قرائت نمودغائبین جلسه سه شنبه - دکتر اسمعیل خان وحسنعلیخان بدون اجازه و آقای طباطبائی با اجازه غائب بودند آقای سیدمحمد باقر ادیب و آقا میرزا علی اکبرخان دهخدا مریض بودند. آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر در حضور کرده اند میرزایانس دوساعت ونیم حاج امام جمعه و آقا سید حسن مدرس یکساعت و ۲۵ دقیقه دکتر امیرخان یکساعت آقا میرزا قاسم خان آقا میرزا رضای مستوفی - ناصر الاسلام هر يك نیم ساعت

**رئیس** - قانون منع احتکار راهم بتقاضای آقای ادیبالتجار جزء دستور کرده بودیم اینجا فراموش شده است غیر از این ملاحظاتی هست ( اظهاری نشد )

**رئیس** - ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد قانون شرکتهای تجارتي از ماده ( ۵۱ ) ماده ( ۵۱ ) هیئت نظار پس از انتخاب هر چه زودتر منعقد شده و در شرایط تشکیل شرکت رسیدگی کرده اگر بعضی از آن ها رعایت نشده است مدیر انرا ملقت این امر نموده و در صورت امتناع یا سامعه آنان مجلس صاحبان سهامرا منعقد و مراتب را اطلاع میدهند و در صورت تخلف امضاء هیئت ناظره با مدیران شرکت در تأدیبه وجه خسارت شریک خواهند بود

**ارباب کیخسرو** - بنده این عبارت هر چه زودتر را قانونی نمی دانم برای اینکه همچو میماند که دیرهم ممکن است این امررا انجام بدهند باید معین شود که بعد از انتخاب تاچه مدت هیئت نظار منعقد خواهند شد که خیلی طول میکشد برای اینکه هر چه زود را نمی توان مدت فرض کرد و بنویسیم هر چه زودتر باید تشکیل شود

**افتخار الواعظین** - اینجا بملاحظه اینکه همین شکلی که فرمودید تأخیر در اینکار نشود و موقت بشود این است که نوشته ایم که پس از آنکه مجلس اساسی منعقد شد هر چه زودتر این امررا انجام بدهند هیئت نظاررا معین کند حالا اگر کلمه باشد که از هر چه زودتر بهتر باشد بفرمایند اگر صلاح میدانند بنویسند فوراً

**حاج سید ابراهیم** - اگر فوراً قبول کنند عرضی ندارم

**رئیس** - قبول میکنید  
**مخبر** - بله قبول میکنم فوراً نوشته شود مجدداً ماده بااصلاح قرائت شد

**رئیس** - در ماده ( ۵ ) دیگر مخالفی نیست آقایانی که ماده ۵۱ را بهمین ترتیب که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۲ از راپورت جدید .

ماده ۵۲ - هیئت ناظره مأمور تقنینش و نظارت است و از این جهت حق دارد بدفاتر و صندوق و اسناد و نوشتجات شرکت رسیدگی کرده و هر نوع اطلاعی که لازم دارد از مدیران مطالبه نماید و مدیران باید در رأس هر ۳ ماه صورتی از قروض و دارائی شرکت به هیئت ناظره بدهند .

**حاج سید ابراهیم** - بنده هر ۳ ماه راخلیلی کم میدانم باید هر ۶ ماه باشد بجهت اینکه معاملات زود انجام نمیکرد که در هر ۳ ماه راپورت بدهند و خیلی هست که از ۳ ماه اول به سه ماه دوم می افتد گمان میکنم که ۶ ماه بنویسید بهتر است .

**افتخار الواعظین** - اینجا نوشته ایم از کلیه معاملات شرکت راپورت بدهند که آقای حاج سید ابراهیم گمان بفرمایند اسباب زحمت خواهد بود و ممکن نیست راپورت از آنها داد بلکه نوشته ایم صورتی از دارائی و قروض شرکت و البته معلوم است که در هر ۳ ماه ممکن است دانست که قرض شرکت چقدر و دارائی شرکت چقدر است و آن راپورت مشروحي که ایشان نظرشان هست آنرا نوشته ایم که هر ۶ ماه پیش ماه بدهند .

**آقا میرزا احمد** - در این ماده و مواد بعد که میاید لفظ مدیر باید اضافه شود مدیر یا مدیران بهمان دلایلی که مکرراً اینجا گفته شده است و این گفته از اینجا افتاده است .

**معین الرعايا** - قروض شرکتی وقتی معلوم میشود که تمام حساب او را بدقت برسد و این زحمت فوق العاده است برای شرکت که در هر ۳ ماهی باین کار برسد و عقیده بنده این است که ۶ ماه باشد همانطوریکه فرمودند بهتر است .

**افتخار الواعظین** - ماده ۵۳ را ملاحظه بفرمایید که پس از این ماده است آن راپورت مشروحي را که میفرمائید عرض کردم سالی یکمرتبه است این فقط يك صورت مختصری است از قروض و دارائی شرکت کدر هر ۳ ماه سه ماه معین میشود که دارائی شرکت چقدر و قروض چقدر است و این قدر اسباب زحمت نیست .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست رأی میگیریم ب ماده ۵۲ باضافه لفظ مدیر قبل از مدیران آقایانیکه تصویبی کنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده ( ۵۳ ) ماده ۵۳ - هر ساله مدیران شرکت راپورت مشروحي که متضمن صورتهای ذیل باشد مرتب خواهند کرد - اولاً صورتی از اموال منقوله و غیر منقوله شرکت باتمیین قیمت آن ( ثانیاً ) صورتی از مطالبات و قروض شرکت ( ثالثاً ) صورتی از تعهدات شرکت ( رابعاً ) صورتی از حساب و ضرر راپورت مزبور طرز تقسیم برنج بطور صحیح معین و اصلاحات ا اقداماتی که برای پیشرفت امور شرکتی صلاح میدانند متذکر میشوند ( این راپورت باید پیشنهاد مجلس سهام بشود )

**رئیس** - در راپورت مزبور طرز تقسیم برنج ( در ) افتاده است .

**آقا محمد** عرض بنده این است که وقتیکه صورت مشروح نوشته میشود و این نوشتن مطالبات و قروض را در يك صورت صحیح نیست بعضی از دفتر های تجاررا دیده ام که مطالباتشان علیحده مینویسند و قروض را

مخصوصاً خیلی مختصر میدانند عقیده بنده این است که صورتی برای مطالبات جداگانه و صورتی برای فروش جداگانه باشد بلکه عقیده بنده این است که دخل و ضرر را هم اینجا یک صورت نوشته اند آنرا هم دو صورت بنویسند.

**افتخار الواعظین** - ملنفت نشدم غرض آقا این است که در هر کفایت نوشته شود یا در دو صفحه که متمایز از هم باشد بدیهی است این را در دو صفحه که متمایز از هم دیگر باشند در یکی صورت مطالبات و در یکی صورت فروش را و اگذار دخل و ضرر را برای اینکه صاحبان سهام بدانند دخل و ضرر شرکت چقدر است قروض و مطالباتش چقدر است دخل کرده است یا ضرر کرده است مقصود آقا هم همین است.

**کاشف** - این لفظ تعهدات بشرکت را توضیح میخوام بفرمایند که یعنی چه.

**افتخار الواعظین** - مراد از تعهدات این است که شرکت بیک تجار تخاصه قول یا سند میدهد که تا سه ماه دیگر بشما فلاقتدر قند خواهم فروخت یا فلاقتدرا فرش از شما خواهم خرید مقصود از تعهدات شرکت این است.

**آقا محمد** - غرض بنده معلوم نشد چون اینجا دفته نموده اند میگویند صورتی موافق ذیل باید بدهند اولاً از اموال منقوله و غیر منقوله شرکت با تعیین قیمت آن ثانیاً از مطالبات و قروض شرکت ثانیاً صورتی از تعهدات شرکت را بعملاً صورتی از حساب دخل و ضرر و چیزی که غرض بنده است این است این را باید در دو دفتر بنویسند یکی قروض و مطالبات یکی دخل و ضرر.

**آری باب کیخسرو** - گمان میکنم که این ایراد آقای آقا محمد بهیچوجه وارد نباشد برای اینکه شخص تاجر خودش بهتر میداند که چه جور دفترش را مرتب بکند اینجا تمام دفتر علیحده دارد مجلس نمیتواند بنویسد که فلان دفتر چه شکل نوشته شود و چهطور باشد اینجا تکلیف خود تجارت خانه است فقط اینجا معین کرده است که چه صورتی باید بدهند مسلماً در وقت استخراج هر کس میدانند که هر کدامی را از کجا استخراج میکنند و چه جور بنویسد

**حاج شیخ اسدالله** - عرض بنده اصلاح عبارتی است عرض میکنم بنویسند (متذکر میشوند) متذکر از باب تفعل است تذکر هم چون استعمالش کم است خوب نیست بنویسند یاد آوری میشود.

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست (گفته شد کافی است.)

**رئیس** - رأی میگیریم بماده ۵۳ اضافه لفظ مدیر قبل از مدیران آقاییکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند.)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۴ از راپورت اولی ماده ۵۴ - هیئت ناظره در آخر هر سال راپورتی بمجلس دارندگان سهام داده اگر در مطالب اظهاریه مدیر یا در باب جمع و خرج و عایدات شرکت و تقسیم منافع ابرادای دارند معین کرده اگر از طرف مدیر یا مدیران قصوری بعمل رسیده است و همچنین کلیه عیوب شرکته را در راپورت مزبور اظهار خواهد کرد.

**رئیس** - در ماده ۵۴ کسبی مخالف نیست اظهار

کردند خیر)  
**رئیس** - رأی می گیریم بماده ۵۴ آقاییکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند.)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۵ از راپورت جدید ماده ۵۵ راپورت های مدیران شرکت و هیئت نظار باید لاف اول یا نوزده روز قبل از روز انعقاد مجلس سهام در دفتر شرکت حاضر باشد که هر یک از دارندگان سهام که بخواهند بتوانند قبل از وقت مراجعه نمایند قرار داد مجلس سالیانه در صورتیکه موافق مواد پنجاه و چهار و پنجاه و پنج قبل راپورتی از هیئت ناظره داده نشده باشد باطل خواهد بود.

**رئیس** - در ماده ۵۵ مخالفی نیست آقاییکه این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند.)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۶ از راپورت قدیم ماده - ۵۶ مجلس صاحبان سهام بر ۳ قسم است اساسی معمولی و فوق العاده مجلس اساسی در بدو تشکیل شرکت برای رسیدگی بشرايط صحت آن برای انتخاب اعضای هیئت ناظره تقویم حصه جنسی منعقد میشود مجلس معمولی سالی چند مرتبه موافق قرارداد شرکت نامه که نباید از دو مرتبه کمتر باشد برای استماع راپورت مدیر یا مدیران و هیئت نظار منعقد میشود مجلس فوق العاده برای مواقعی است که هیئت ناظره لازم میدانند در مواقعی که نظامنامه شرکت معین کرده است.

**رئیس** - در آخر ماده ۵۶ عبارتی اضافه شده است قرائت میشود (مجدداً ماده با اضافه مزبوره بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵۶ - مجلس صاحبان سهام بر ۳ قسم است اساسی معمولی و فوق العاده مجلس اساسی در بدو تشکیل شرکت برای رسیدگی بشرايط صحت آن و برای انتخاب اعضای هیئت ناظره و تقدیم حصه جنسی منعقد میشود مجلس معمولی سالی چند مرتبه موافق قرارداد شرکت نامه که نباید از دو مرتبه کمتر باشد برای استماع راپورت مدیر یا مدیران و هیئت نظار منعقد میشود مجلس فوق العاده برای مواقعی است که هیئت ناظره لازم میدانند یا در مواقعی که نظامنامه شرکت معین کرده است هر گاه شرکاتی که دارای من سهامیه باشد تقاضا کنند هیئت ناظره باید مجلس فوق را منعقد نماید.

**بهبخت** - مقصود بنده این بود که توضیحی از آقای مخبر بخواهم که در صورتی مجلس دارندگان سه قسم میشود که شرايط تشکیل آن مختلف باشد ولی اینکه ما میگوئیم مجلس سهام در زمانهای مختلفه منعقد میشود یکی قبل از تشکیل شرکت یکی در بدو تشکیل شرکت یکی بعد از تشکیل بطور فوق العاده این در منی مجلس سهام را سه قسم نمیکند فقط این مجلس های صاحبان سهام است که در زمانهای مختلف تشکیل میشود منتهی تغییر زمانی دارد و اگر گفتیم سه قسم است باید شرايط تشکیل را هم اینجا معین کنیم که شرايط مجلس که برای رسیدگی بشرايط و برای انتخاب اعضای هیئت ناظره است چیست شرايط تشکیل مجلس معمولی چیست شرايط مجلس فوق العاده چیست یعنی برای

آن اشخاصیکه معین میکنند و برای هر مجلس يك ميز و مشخص معین بشود و بآن جبهه سه قسم بشود و الا مجلس دارندگان سهام یکی است که در سه زمان منعقد میشود.

**افتخار الواعظین** - در اینکه مجلس صاحبان سهام در سه وقت مختلف منعقد میشود این را هیچ حرفی نیست و این دلیل نمیشود که بر سه قسم هم نباشد بلکه در سه وقت منعقد میشود مهذا بر ۳ قسم است یعنی مجلس اساسی است که اگر چنانچه آن مجلس منعقد نشود و بشرايط تشکیل شرکت رسیدگی نکند و تقویم حصه جنسی نکند انتخاب هیئت نظار را نکند شرکت منعقد و تشکیل نمیشود مجلس معمولی سالی دو مرتبه لاف اول برای استماع راپورت مدیر یا مدیران و هیئت نظار منعقد میشود و مجلس فوق العاده برای وقتی است هیئت نظار لازم میدانند یا شرکاتی که دارای من سهامیه باشند تقاضای انعقادش را بکنند این در سه وقت مختلف منعقد میشود و سه وظیفه مختلفه دارد و سه مجلس است.

**حاج شیخ اسدالله** - میگوید مجلس صاحبان سهام بر سه قسم است و آن وقت تقسیم میکند آن سه قسم را در چند مورد (معین و حال آنکه سابق گذشت که شرکاء غیر مسئول بهیچوجه حق دخالت در امور شرکت ندارند و اینجا دارد آنها را دخالت در امر شرکت میدهد و این با آن مقصود منافی است بجهت اینکه دارندگان سهام بعضی مسئول هستند برای آنکه آنها مؤسسين این شرکت هستند و بعضی هستند که مسؤول نیستند فقط سهمی از این سهام را خریده اند آنها دیگر حقی ندارند که حاضر بشوند و مجلس تشکیل بدهند و این دخالتی که در اینجا نوشته است با آنها بدهند بنده ام اینستکه صاحبان سهام را معین کنند که از شرکاء مسئول حق انعقاد مجلس داشته باشند نه صاحبان سهام غیر مسئول و الا این ماده منافی با آن ماده پیش است.

**افتخار الواعظین** - گویا اشتباه فرمودند بجهت اینکه در مواد سابقه گفتیم که هر گاه غیر مسئول حق دخالت کردن در اداره کردن و معامله کردن برای شرکت ندارند ولی آمدن مجلس را منعقد کردن خود مجلس راپورت مدیر یا مدیران و هیئت ناظره را گوش دادن و بشرايط تشکیل شرکت رسیدگی کردن و تقویم حصه جنسی را کردن مداخله نیست و سلب این حق را در اینجا از آنها نکرديم و مراد از صاحبان سهام مطلق صاحبان سهام است اهم مؤسسين شرکت و غیر مؤسسين و ابداً مخالفی با آن ماده ندارد بجهت اینکه در آن ماده گفتیم که شرکاء غیر مسئول در اداره کردن شرکت یعنی خرید و فروش حق مداخله ندارند یعنی حق ندارند خودشان خرید و فروش شرکت را بکنند نه اینکه کلیه حق نداشته باشند در امر شرکت دخالت بکنند.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده ۵۶ آقایی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۶ الحاقی از راپورت جدید.

ماده ۵۶ الحاقی - در موقع انعقاد مجلس سهام ورقه که متضمن اسامی صاحبان سهام و محل اقامت

و همه سهم هر يك از آنان باشد مرتبشده و باضای هیئت رئیس مجلس سهام رسیده و برای مراجع هر يك از اعضای مجلس حاضر خواهد بود.

رئیس - يك نفر از هیئت رئیس را اینجاست که با اضافه اسمی صاحبان سهام (مجیداً) با اضافه اسمی فراتر شد.

بهرت - بنده میخواستم عرض کنم سهامی لفظ اسمی اضافه شود حالا که شد باید مقدم بشود در موقع انتقام مجلس سهام اسمی.

افتخار الواعظین - خیر اینجا مراد انتقاد مجلس سهام است مطلقاً هم از اینکه سهام اسمی باشد یا غیر اسمی در موقع انتقاد مجلس سهام که باید در آن موقع مستجاب میکنند اسمی چاپ میکنند.

بهرت - گویا اینجا اشتباه میشود ممکن نیست که در يك شركت دو قسم سهام باشد یکی اسمی و یکی عاملی اگر شركت عاملی شد آنوقت شركت اسمی تلقی نمیکرد و اگر مجلس صاحبان سهام اسمی شد آنوقت این شرط نیست بآنچه بعمل نیاید و اگر مرادشان این نیست توضیح بدهند تا مطلب معلوم شود.

افتخار الواعظین - در یکی از مواد قبل گذشت گویا از نظر مبارکشان رفته است سهام گفتیم بر دو قسم است اسمی و عاملی مادامی که سرمایه تمام مبلغش داده نشده است و وجه آن پرداخته نشده است اسمی خواهد بود حالا در موقعی که مجلس صاحبان معالقی سهام دائر میشود و ورقه چاپ میکنند و بآنهایی که آنجا يك ورقه که متضمن اسمی صاحبان سهام اسمی باشد چاپ میکنند و میدهند برای اینکه بدهند کدام سهام هنوز تمام و جهش پرداخته نشده است و سهام اسمی است.

بهرت - گمان میکنم آقای مخبر اشتباه فرمودند سهام اسمی و عاملی منوط بر این نیست که بعضی وجهش پرداخته شده باشد و بعضی پرداخته نشده باشد کلبه شركت و تیکه سهام طبع میکنند و قسم است یکی اینکه اسمی در آن قید نمیشود مثل اسکناس یکسری اسمش نوشته میشود و اسمی دفتر دارد و در دفتر اسمی قید میشود این راجع بنده دوم است اما اینکه سهام برش داشته باشند ممکن است بدفترت بپردازند از هیچ مربوط باین مسئله و مربوط بصورت مجلس هم نیست در صورت مجلس سهام عاملی است و این یک چیزی است که خودشان باید بدهند و اسمی دیگر را بشناسند صورت مجلس در جانی ترتیب داده میشود که سهام اسمی باشد.

معین الرعايا - اینجا خودش میگوید که مقصود از ورقه سهام محل اقامت صاحبان سهام و عدده آنها است ورقه سهام عاملی اسم است باید محل اقامت ندارد و این سهامیکه اسمی است باید محل اقامت و عدده آنها معین باشد اینجاست راجع بصاحبان سهام اسمی است و در آن سهام دیگر معلوم نیست که دست کی است آنجا نوشته است.

جدید ماده ۵۷ - در مجلس اسمی عده کافی برای مذاکره و رای گرفتن ربع عده شرکاء است که دارای نصف سرمایه باشند و هر گاه در جلسه اقل عده کافی نشد جلسه دیگری باید منقسم شود و فاصله مابین جلسه اول و دوم نباید کمتر از سه هفته باشد و هفته قبل از انعقاد جلسه ثانوی باید مراتب دومرتبه فاصله لااقل سه روز در روزنامه اعلان شود در جلسه ثانی عده کافی برای مذاکره و رای خمس عده شرکاء است که دارای خمس سرمایه باشند در مجلس معموله و فوق العاده عده کافی ثمن عده شرکاء است که دارای ربع سرمایه باشند و هر گاه عده در جلسه اولی کافی نشد فاصله لااقل ۱۰ روز جلسه دیگری منقسم خواهد شد و موقع انعقاد این جلسه باید در روزنامه اعلان شود در جلسه ثانی هر چند نفر که حاضر بودند قرار داده مجلس قطعی خواهد بود.

حاج شیخ اسدالله - در مجلس اسمی عده کافی را برای مذاکره و رای گرفتن يك ميزانی معین میکنند برای تمام شرکاء که دارای نصف سرمایه باشند این بنظر بنده یکقدری اشکال دارد بجهة اینکه ممکن است شرکاء در ولایات مختلف باشند بجهت برای مرکز شرکت نمیتوان این ماده را نوشت و صحیح هم است اما نوشتن برای کلبه شرکت و کلبه صاحبان سهام نمیتواند که این ماده را چرا که غالباً اتفاق می افتد که این مجلس منقسم نشود برای اینکه شرکاء در ولایات هستند پس چگونه میشود آن مجلس را تشکیل کرد و شاید اشخاصی که دارای نصف سرمایه باشند سه ربع آنها یا نصف آنها باشند خوب است در اینجا معین میکنند در مرکز شرکاء اشخاصیکه حاضر هستند سه ربع آنها حاضر باشند و جلسه را تشکیل بدهند والا بطور اطلاق ماده را نوشتن خیلی اسباب زحمت و اشکال میشود.

افتخار الواعظین - گویا توجه نفرمودند مجلس اسمی مجلس است که در مرتبه اول و در مرکز هم تشکیل می باید نه در جای دیگر بهمان ملاحظه که فرمودند در راپورت اول نوشته بود که عده کافی برای مذاکره و رای گرفتن نصف عده شرکاء است که دارای نصف سرمایه باشند بلاحظه اینکه شایده سهام در ولایات فروخته شده باشد و صاحبان سهام نتوانند در مرکز مجلس اسمی حاضر شوند و اسباب زحمت باشد این بود که مجلس اسمی را در مرکز قرار دادیم و گفته ایم که در مجلس اسمی عده کافی برای مذاکره و رای ربع عده شرکائی است که دارای نصف سرمایه باشند و این مجلس در مرکز خواهد بود نه در جای دیگر.

رئیس - گویا مذاکرات کافی با شتر رای میگیریم بنده ۵۷ آقایی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده ۵۷ الحاقی. ماده ۵۷ الحاقی - در مرکز شرکاء کتابچه برای اسامی مرتب و برای مراجعه حاضر خواهد بود در این کتابچه اسم هر صاحب سهم اسمی با عده سهام متعلقه و تعیین مواقعی که اقساط سهام باید پرداخته شود و نیز مبلغ وجهی که هر يك از دارندگان سهام تأدیبه کرده است معین خواهد شد. رئیس - در ماده ۵۷ الحاقی مخالفی هست (مخالفی نیست) آقایی که ماده ۷۰ الحاقی را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده ۵۸ از راپورت قدیم ماده ۵۸ - سهامی کوجه آن هائماً تأدیبه شده است باید تا زمان پرداخت کلبه وجه اسمی و دارای علامت چاپی مخصوص باشد.

رئیس - در ماده ۵۸ مخالفی نیست رای می گیریم بنامه آقایی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده ۵۹ ماده ۵۹ - اگر صاحب سهمی که وجه آن تماماً پرداخته نشده است سهم خود را بدیگری انتقال دهد یا قیامده وجه را از منتقل الیه باید مطالبه کرد و همچنین هر منتقل الیه به منتقل ثانوی رجوع مینماید. بنا بود این ماده حذف شود. مخبر - بله در راپورت هم نوشته شده است که باید حذف شود.

ماده ۶۰ خوانده شود. ماده ۶۰ - بیارت ذیل خوانده شد مدیران شرکت نمیتوانند طرف معامله با شرکت واقع شوند مگر در معاملاتی که عاناً و بطور مزایمه بعمل می آید. رئیس - در ماده ۶۰ که حالا ۵۹ میشود مخالفی هست نیست رای میگیریم بنده ۵۹ آقایی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده ۶۱ ماده ۶۱ - بیارت ذیل قرائت شد اگر مدیری در امری که راجع بشركت است ذینف باشد باید بهیئت مدیران ذینفع بودن خود را اطلاع دهد و خود او هم در آن امر بخصوص حق رای دادن نخواهد داشت مراتب باستحضار مجلس دارندگان سهام خواهد رسید. آقامیرزا احمد - اینجاست و متنش دارد یکی آنکه مدیریکه ذینفع باشد باید به هیئت مدیران اطلاع بدهد معنی ندارد زیرا مدیر اگر فقط منحصراً با او است که این عبارت اگر مدیری در امریکه راجع بشركت است ذینفع باشد باید بهیئت مدیران اطلاع بدهد صحیح نیست بجهة آنکه اگر که دو تا باشد باز هم صحیح نیست بجهة آنکه اگر بخواهد بدیگری اطلاع بدهد باید گفت بدیگری در هر صورت سه شق دارد یکی آنکه یک مدیر باشد اگر دو مدیر است باید نوشت بدیگری اگر سه مدیر باشند یا بیشتر آنوقت یکی از آنها به هیئت مدیران میتوانند اطلاع بدهد تقاضا میکنم که این ماده بر گردد بکمیسیون و درست شود.

افتخار الواعظین - اینجا این شکلی که فرمودند مراد از مدیران اشخاص هست که نه برای ممالک و اشخاصی هستند که از طرف هیئت شرکاء معین شده اند برای ریاست و اداره کردن شرکت و این معین است يك نفر نخواهد بود بلکه آنها چند نفر خواهند شد آن اشخاص هم اگر يك نفرشان ذینفع باشند مثلاً يك خانه میخواهند بخرند از برای شركت و این شخص خودش خانه دارد و آنخانه را میخواهد از برای شركت بخرد این شخص ذینفع است و باید سایر مدیران دیگر بگوید که من در این معامله ذینفعم و اینجا که میخواهند برای شركت بخرد متعلق بمن است و در وقت رای دادن خودش حق رای دادن ندارد و مراد از مدیران که اینجا نوشته شده است روسای شرکاء است نه دیگران اگر باین

توضیح قانع شدند گمان میکنم که محتاج به برگشتن بکمیسیون نباشد. بهجت - اگر مقصود از هیئت مدیران هیئت اداره کننده است و باید هم همین باشد معین کنند اگر هیئت مدیران است زاید است بجهة اینکه گمان نمیکنم که مدیران يك مجلسی داشته باشند علی کل حال این باید به هیئت اداره کنندگان رجوع شود گمان میکنم که هیچ اشکالی هم نخواهد داشت که هیئت اداره کنندگان نوشته شود.

افتخار الواعظین - اگر لازم میدانند برگردد بکمیسیون تا تجدید نظر بشود. رئیس ماده ۶۱ که (۶۰) شد بر میگردد به کمیسیون ماده ۶۱ از راپورت جدید. ماده ۶۱ - برای تغییر دادن نظامنامه شرکت عده کافی همان عده لازم مجلس اسمی است.

بهرت - گمان میکنم که برای تغییر در نظامنامه شرکت باید یکقدری اهمیت قائل شد برای آنکه نظامنامه است که مردم میخرند و میبرند بولایات آنوقت برای تعیین يك هیئت ناظره چندان اهمیت نمیدهند برای آنکه آن جلسه که باید تشکیل شود بایستی سه ماه چهار ماه قبل از وقت اطلاع بدهند تا اگر کسی در ولایات هست حاضر بشود که نصف ب علاوه يك از دارندگان سهام لااقل حاضر باشند اینسکه باید نظامنامه شرکت را اهمیتی داد برای اینکه نظامنامه شرکت را نباشد مثل سایر مسائل شرکت فرض کرد زیرا که اساس شرکت است که ضرر و نفع شرکت از روی او معلوم خواهد شد و باید قید کرد که نصف ب علاوه يك حاضر باشند.

افتخار الواعظین - بنده تعجب میکنم که آقا چه طور اهمیت نظامنامه شرکت را بیشتر از رسیدگی بصحت تشکیل شرکت فرض میفرمایند در مجلس اسمی اگر مرصعات شرایط نشود و وظایفشان را اداء نکنند بچه چه شرکت نمیتواند تشکیل شود آنجا ربع عده شرکاء را کافی نمیدانند ولی برای تغییر دادن نظامنامه شرکت نصف ب علاوه يك را لازم میدانند و حال آنکه باید ملاحظه بفرمایند که در شرکت مختلفه سهامی ممکن است سهام در جا های خیلی دور دست متفرق شده باشد و جمع شدن شرکاء خیلی اسباب زحمت و کلفت باشد و مخصوصاً در ملکات که هنوز اسباب تسهیل مسافرت فراهم نشده است برای تغییر نظامنامه گمان میکنم همان ربع عده شرکاء کافی باشد.

بهرت - نظامنامه شرکت دو قسم است یکی اساسی است و یکی داخلی آن نظامنامه داخلی و نظامنامه اساسی حاوی منافع و مضار شرکت خواهد بود ممکن است اگر در آن خصوص اشکالی پیدا هم بکنند آن وقت آنها و کلای خود را معین نمایند و يك اعتبارنامه در دست داشته باشند و حاضر شوند برای تغییر نظامنامه اساسی والا اگر نظامنامه اساسی را مثل نظامنامه داخلی قرار بدهیم کار آنها مختل خواهد بود.

معین الرعايا - این ایرادی را که آقایی بهجت میکنند اینجا وارد نیست بجهة اینکه آن ربع عده که دارای نصف سرمایه باشند برای تغییر دادن نظامنامه کافی است. رئیس - مذاکرات کافی نیست کافی است

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران رای میگیریم بنده (۶۲) که حالا ماده ۶۱ بشود آقایی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند).

رئیس - تصویب شد ماده (۶۲) فصل چهارم شرکت محدود سهامی. فصل چهارم شرکت محدود سهامی ماده ۶۲ - در شرکت سهامی محدود تمام سرمایه سهام تحصیل میشود و مسئولیت هر يك از شرکاء محدود بسهمی است که در شرکت دارد.

رئیس - مخالفی هست نیست رای میگیریم بنده ۶۲ آقایی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده ۶۳ ماده ۶۳ - در شرکت محدود سهامی عنوان شرکت نباید متضمن اسم هیچک از شرکاء باشد و عبارت (مسئولیت محدود) باید پس از عنوان شرکت قید شود.

رئیس - مخالفی هست در اینجاست نیست آقایی که ماده ۶۳ را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. ماده ۶۴ - چون در شرکت محدود سهامی هیچک از شرکاء امتیاز و مسئولیتی بیش از سایرین ندارد اداره کردن شرکت اختصاص بچند نفر ندارد مدیران شرکت چنانچه ذکر خواهد شد از میان شرکاء در مجلس دارندگان سهام معین میشوند.

آقامیرزا احمد - لفظ مدیر اضافه شود بهجت - عقیده بنده اینستکه مدیران شرکت همان بود که در آن ماده معین شده که او را انتخاب میکنند حالا یا از بین شرکاء مشمول بالا است یا از شرکاء باشد باین تقدیر مدیر یا مدیران در آنجا بآن ترتیب ذکر شد و در اینجا خوبست تبدیل شود به هیئت اداره کننده.

رئیس - رای میگیریم بنده ۶۴ با ضافه لفظ مدیر قبل از مدیران آقایی که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده ۶۵ ماده ۶۵ - ترتیب شرکتنامه و ایفای شرایط صحت تشکیل شرکت و اقداماتیکه در مواد ذیل معین میشود برعهده مؤسین است ولی مؤسین باین وجه بر دیگران امتیازی ندارند مجلس سهام هر کس را صلاح بداند بست مدیری معین میکند. رئیس - مخالفی نیست رای میگیریم بنده ۶۵ آقایی که تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده ۶۶ ماده ۶۶ - شرایط صحت تشکیل شرکت محدود و مصدق کردن شرکت نامه و غیره از فرایست که از مواد ۳۶ الی ۴۶ مقرر است باملاحظات ذیل اولاً استدهای اجازه باضفاء و مهر مؤسین خواهد بود ثانیاً هر سهم باید باضفای لااقل دو نفر از مدیران و دو نفر از هیئت ناظره برسد ثالثاً هر اظهاراتیکه در ماده ۴۴ مقرر است باید از طرف مؤسین بعمل آید و صحت اظهارات آنان در اولین جلسه مجلس دارندگان سهام یعنی در مجلس اساسی رسیدگی شود میرزا ابراهیم قمی - ثانیاً هر سهم باید باضفای (مدیر یا مدیران نوشته شود).

۱۳۲۹ - اخبار الواعظین - عرض کردم اینجامدر هیئت اداره کنند است و یک نفر نخواهد بود لااقل کمتر از پنج نفر نخواهند بود.

رئیس - همان اصلاحی را که در چند ماده قبل از جلسه گذشته کردیم اینجام باید نوشته شود. افتخار الواعظین - آن اصلاح حاضر نیست بعد از نفس نوشته میشود و تقدیم میشود.

رئیس - پس اینجاست هم بر ماند برای بعد از نفس ماده ۶۷. ماده ۶۷ - تمام مواد شرکت مختلفه سهامی در باره شرکت محدود سهامی مجری است مگر شرایطیکه مخصوصاً در ماده ذیل تغییر داده میشود. رئیس - مخالفی نیست رای میگیریم بنده ۶۷ آقایی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده ۶۸ ماده ۶۸ - در مجلس اساسی عده کافی برای مذاکره و رای گرفتن نصف عده شرکاء است که دارای نصف سرمایه باشند و هر گاه عده کافی نشد موافق ماده ۵۷ جلسه دیگری منعقد خواهد شد در جلسه ثانوی عده کافی ربع عده شرکاء است که دارای سدس سرمایه باشند.

حاجی عز المالك - ماده پنجاه و هفت که گذشت ترتیب جلسات شرکت را معین کرد ب عقیده بنده لازم نیست که خودمان برای این شرکت بزحمت بپردازیم بجهة اینکه فرقی نیست تا اینکه ما يك ترتیب دیگری بدهیم اینترام خوبست مخبر قبول بکنند مثل همان جلساتی که در ماده ۵۷ معین شد معین بشود.

افتخار الواعظین - خیر اشتباه میفرمایند چون دامنه این شرکت معتدل است و سبتر بشود از او بجهة اینکه در آن جا چون یکمده پول داده بودند و يك عده دیگر سهام فروخته بودند ولی اینجا تمام سرمایه بوسیله سهام تحصیل میشود ممکن است که دامنه اش وسیعتر بشود باین جهت برای يك حد اکثر و حد اقل قرار داده ایم حد اکثر نصف حد اقل سدس آقامیرزا احمد قزوینی - نصف حد اکثر نمیشود خوبست نصف ب علاوه يك نوشته شود تا اکثریت راهم حاضر باشد. کاشف - اینکه نصف عده شرکاء را که دارای نصف سرمایه شرکت باشند نوشته است برای اینستکه نصف عده دارای نصف سرمایه باشند و همچنین ربع عده باید دارای ربع سرمایه باشند ممکن است یکوقت نصف عده حاضر باشد لکن دارای نصف سرمایه نباشند اینرا باید توضیح داد که معلوم شود. افتخار الواعظین - اینجا ما عده را مقیداً ملاحظه میکنم و الا ممکن است که نصف یا ربع عده شرکاء جمع شوند در حالتیکه کمتر از نصف سرمایه را در صورت اول و کمتر از سدس سرمایه را در صورت ثانی دارا باشند اینستکه هم ملاحظه عده و هم ملاحظه سرمایه هر دو شده است. معین الرعايا - بنده تصدیق میکنم آقای حاجی عز المالك را در مجلس اساسی ثلث عده شرکاء

کداری نصف سرمایه باشد کافی میدانم و نصف عده شرکاء زیاداست  
**افتخار الواعظین** - این عده از برای مجلس اساسی است که میفرماید گفتگو بکنند .  
**رئیس** - مذاکرات کافی نیست ( اظهار شد که کافی است )

**رئیس** - اصلاحی هست در ماده ۶۸ از طرف آقای حاجی سید ابراهیم قرائت میشود ( ببارت ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۶۸ لفظ ( نصف عده شرکاء ) برداشته شود و لفظ بیش از نصف بمد از لفظ دارای نصف الی آخر زیاد شود

**حاج سید ابراهیم** - در آن ماده هم اجازه خواسته بودم و مذاکره کافی شد اینهم نظیر آن ماده است در شرکت نظر بنده شرکاء نیست نظر بان سهام و سرمایه است که شرکت را تشکیل کرده است و همینکه يك عده که کمتر از عده نصف شرکاء باشند حاضر شدند که دارای بیش از نصف سرمایه شدند آنها حق مذاکره در مجلس اساسی دارند پس دیگر ذکر عده لازم نیست مناصب نصف سرمایه است که معلوم شرکت است و آن لفظیش که بنده ذکر کرده ام برای آنستکه اگر چهار پنج نفر هم از دارندگان سهام که بیش از نصف سرمایه دارا هستند حاضر شدند حق تشکیل مجلس اساسی را دارند بلاخطه اینکه بیش از نصف از سرمایه سهام در دست آنها است لهذا خوب است منظور باشد عبارت از مجلس اساسی برای مذاکره و رای گرفتن عده لازم است که بیش از نصف سرمایه را داشته باشند

**افتخار الواعظین** - بنده از آقای استوال میکنم اگر نظر سرمایه است شاید دو نفر از شرکاء نصف سرمایه را داشته باشند آن دو نفر به نشیند و ترتیب شرکت برای سایر شرکاء معین کنند این ابدأ صحیح نیست عرض میکنم باید نظر سرمایه داشت ولی باید نظر عده هم داشت اولاً عده را اگر نصف نوشتم شاید دارای عشر سرمایه باشند نصف عده آنوقت این نصفی که دارای عشر سرمایه هستند برای شرکاء دیگر که دارای نه عشر سرمایه هستند تکلیف معین کنند اینهم که نمیشود نظر سرمایه تنهام نمیشود کرد بجهت اینکه ممکن است دو نفر دارای نصف سرمایه باشند اینستکه هر دو را باید ملاحظه کرد هم نصف عده شرکاء را هم نصف سرمایه را

**رئیس** - ماده هفتادم خوانده میشود . ماده ۷۰ - سهام مدیران شرکت بر حسب قرار داد تا زمانی که بسمت خود بر قرارند غیر قابل انتقال است و در صندوق شرکت باید ضبط شده و عده حق انتقال باید از روی او با شرکت ثابت و قید شود .

**حاج شیخ اسدالله** - این ماده هم راجع به همان ماده است سهام مدیران در صورتیکه مامعین کرده باشم که حتماً مدیران باید دارای سهام باشند در صورتیکه دارای سهام نباشند آنوقت این ماده اینجا قدری بیفایده خواهد بود

**آقای میرزا احمد** - این ماده هم راجع به همان ماده است سهام مدیران در صورتیکه مامعین کرده باشم که حتماً مدیران باید دارای سهام باشند در صورتیکه دارای سهام نباشند آنوقت این ماده اینجا قدری بیفایده خواهد بود

**رئیس** - تصویب شد ماده ۶۹ - مدیر یا مدیران آن شرکت باید بقدر صدی دو از سرمایه شرکت دارای سهام باشند در صورتیکه سرمایه از دو کرور بیشتر نباشد از دو کرور بیلا صدی يك کافی است .  
**حاج عز الممالک** - آنطوریکه آن ماده پیش اصلاح شد و یکسیویون رفت معلوم نشد تکلیف حالا در اینجا که شرح میکنم که باید حتماً دارای

قستی از سرمایه باشند مدیر یا مدیران بنده در اینجا مخالف هستم بجهت اینکه ممکن است آن طوریکه اصلاح شد و یکسیویون رفت تصویب شود که یکی از مدیران را شرکاء مسئول انتخاب کنند از خارج از کسانیکه يك قسمت از سرمایه راجع باو نباشد .  
**افتخار الواعظین** - کمیسیون عقیده اش اینست که باید مدیران شرکت برای اعتبار شرکت اقل صدی دو دارای سهام از سرمایه شرکت باشند و این بیشتر اسباب اطمینان سایر شرکاء است .

**حاجی عز الممالک** - در آن جلسه در اینخصوص خیلی مذاکره شد اهمیت مدیر طوری است که نمیشود معین کرد که مدیر از بین شرکاء باشد و مخصوصاً انتخاب بمقیده بنده باید آزاد باشد بعد از آنکه معین کردیم که حق انتخاب با شرکاء است چطور میشود محدود مقرر کرد که باید از بین خودشان باشد و مخصوصاً ممکن است اشخاصی پیدا کرد بجهت اداره کردن شرکت که مدیر شرکت باشند و داخل شرکاء شرکت نباشند در اینصورت باین ملاحظاتی خوب است آن ماده باید بمجلس و هر طور آن ماده گذشت مامعین میباشند مطابق آن رای بدیهی در صورتیکه آن نگذشته است نمیتوانیم در این ماده رای گرفته شود .

**حاجی شیخ اسدالله** - در صورتیکه آن ماده بر کشت یکسیویون آنهم بواسطه همین نظریات بود حالا شاید آن خودش آمد بمجلس و مجلس هم رای داد که مدیران غیر شرکاء باشد حالا شاید کمیسیون هم منظور که اصلاح شد و رای داد آمد بمجلس و مجلس هم تصویب کرد که لازم نیست مدیر از سرمایه داران شرکت باشد آن وقت با این ماده که اینجا رای گرفته میشود بکلی مخالفت دارد و این را نمیشود ضمیمه آن ماده کرد .  
**مخبر** - این ماده باشد تادر کمیسیون تجدید نظری شود .  
**رئیس** - ماده هفتادم خوانده میشود . ماده ۷۰ - سهام مدیران شرکت بر حسب قرار داد تا زمانی که بسمت خود بر قرارند غیر قابل انتقال است و در صندوق شرکت باید ضبط شده و عده حق انتقال باید از روی او با شرکت ثابت و قید شود .  
**حاج شیخ اسدالله** - این ماده هم راجع به همان ماده است سهام مدیران در صورتیکه مامعین کرده باشم که حتماً مدیران باید دارای سهام باشند در صورتیکه دارای سهام نباشند آنوقت این ماده اینجا قدری بیفایده خواهد بود

معامله با شرکت واقع شوند ولو اینکه معامله بطور علنی و مزایده باشد مگر اینکه اجازه مخصوص از طرف مجلس دارندگان سهام داشته باشند با وجود این باید در آخر سال صورتی از معاملات مزبور بمجلس سهام بدهند .

**بجهت** - این جزء ماده را میخواستیم سؤال کنیم از مخبر در صورتیکه معامله علنی باشد و میخواهند بزیایده قرار بدهند چرا ممکن نیست مدیر خودش طرف معامله واقع شود در صورتیکه معامله بزیایده گذاشته میشود چه ضرری دارد خوبست مخبر توضیح بدهند .

**افتخار الواعظین** - بجهت اینکه اگر چه ظاهراً آن معامله بطور مزایده و مناقصه هست ولی خودشان يك اسباب تقلبی فراهم کرده باشند که بگوئیم بهیچوجه اگر چه بطور مزایده هم باشد حق ندارند مگر اینکه برونند اجازه از شرکاء بگیرند .

**ارباب کیخسرو** - بنده هیچ اظهار آقای مخبر را تفهیم چطور میشود که مدیر در آنجا تقلب نمیکند و در اینجا تقلب میکنند خوبست بفرمائید که چرا در آنجا تجویز شد و در اینجا تجویز نشد خوبست اینرا توضیح بفرمائید .

**افتخار الواعظین** - فرق دارد فرقی اینستکه آنجا گفتیم مدیر باید از شرکاء مسئول باشد چون از شرکاء مسئول است نفع و ضرر شرکت بیشتر بخودش متوجه است چون بخودش متوجه است آنجا گفتیم میتواند طرف معامله واقع شود اگر بطور مزایده واقع شود ولی دیگر اینجا از شرکاء مسؤول نیست باینجهت نمیتواند طرف معامله واقع شود بدیهی است اینکه مسئولیتش با اندازه سهمش است و نقش هم با اندازه سهمش است باینجهت گفتیم در اینجا نمیتواند طرف معامله واقع شود مگر آنکه برود اجازه مخصوص بگیرد .

**معین الرعايا** - بنده اولاً میخواستیم عرض کنم ممکن است مواد این شرکت محدود سهامی را مثل آن شرکت ها نگیریم تفاوتی با آن شرکتها داشته باشد یکی هم نمی توان مدیریکه در کار شرکت است نسبت تقلب باو داد ولی در هر صورت دهر کاریکه مدیر طرف معامله باشد مخصوصاً اذهنان مردم را مشوش میکند باینجهت خوب است نوشته شود که طرف معامله با شرکت واقمشود .

**رئیس** - مذاکره را آقایان کافی میدانند اظهار کردند کافی است .  
**رئیس** - رای میکنیم بماده ۷۱ آقایانیکه ماده ۷۱ را بطوریکه قرائت شد تصویب مینمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده ۷۲ خوانده میشود . ماده ۷۲ - مدیران شرکت پس از انتخاب مسئول صحت تشکیل شرکت هستند و باید معلوم نمایند که شرایط مقرر به عمل آمده است یا نه در صورتیکه بعضی از آنها رعایت نشده باشد فوراً انجام داده و اگر انعقاد مجلس سهام لازم است تشکیل داده و مراتب را ابراز نمایند والا هرگونه ضروری که وارد آید در تأدیة با مؤسسين شريك خواهند بود .

**رئیس** - تصویب شد . ماده ۷۱ - مدیران شرکت نمیتوانند طرف

معامله با شرکت واقع شوند ولو اینکه معامله بطور علنی و مزایده باشد مگر اینکه اجازه مخصوص از طرف مجلس دارندگان سهام داشته باشند با وجود این باید در آخر سال صورتی از معاملات مزبور بمجلس سهام بدهند .

قستی از سرمایه باشند مدیر یا مدیران بنده در اینجا مخالف هستم بجهت اینکه ممکن است آن طوریکه اصلاح شد و یکسیویون رفت تصویب شود که یکی از مدیران را شرکاء مسئول انتخاب کنند از خارج از کسانیکه يك قسمت از سرمایه راجع باو نباشد .  
**افتخار الواعظین** - کمیسیون عقیده اش اینست که باید مدیران شرکت برای اعتبار شرکت اقل صدی دو دارای سهام از سرمایه شرکت باشند و این بیشتر اسباب اطمینان سایر شرکاء است .

**حاج شیخعلی** - اینجا مؤسسين در تأدیة آن شرکت خواهند نمود در صورتیکه تمام آنها در شرکت مساوی هستند این از چه جبهه است . خوبست آقای مخبر توضیح بفرمائید که يك مسئولیت فوق العاده هم برای مؤسسين قرار داده شده است اینجا این را خوب است توضیح بدهند .

**افتخار الواعظین** - تفهیم غرضشان از این فرمایش چه بود مؤسسين گفتیم ترتیب شرکت نامه ترتیب نظامنامه سایر تکالیف که در مواد قبل نوشته شده است برعهده مؤسسين است معلوم است که مؤسسين در ادای این وظایف مسئولند اگر ادای این وظایف نشود شرکت منقذ نخواهد شد این ماده میگوید اگر مدیران برای وظایف خودشان را نکنند مسئول خواهند بود و اگر ضرور خسارتی وارد شود از عهده برآیند .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - این عمارت یکتوری ناقص است و اگر انعقاد مجلس سهام لازم است تشکیل داده و مراتب را اظهار نمایند و الا هرگونه ضرری که وارد آید در تأدیة آن با مؤسسين شرکت خواهد بود خوبست نوشته شود هرگاه اطلاع دادند و آنها اقدام نکردند در آنجا شريك خواهند بود .

**حاج وکیل الرعايا** - نظر باینستکه مدیر اگر در امریکه این قانون حق داده است که شرکت با مراتب تمامی مواد قانون تشکیل شود مدیر بعد از اینکه انتخاب شد و مسئولیت را برعهده گرفت يك مسامحه و یا يك خرج بی مبالائی در کار دید باید حتماً مجلس سهام را تشکیل بکند و با اطلاع عموم برساند و مقصود از عموم کسانی است ذیعق هستند و اگر اینکار را نکرد تقریباً آن قسمت اخیر يك مجازاتی است برای مدیر که مسامحه نکند و اگر مسامحه بکند با مؤسسين شريك در آن ضرر خواهند بود

**حاج شیخعلی خراسانی** - آقای مخبر فرمودند و بنده ملتفت نشدم مؤسسين را ما هیچ خسارتی بر آنها تحمیل نکردیم قرار شد هر ضرر و خسارتیکه حاصل شد صاحبان سهام با اندازه سهمشان شريك در آن ضرر باشند و مدیر را هم در صورت رفتار برخلاف قانون باین اندازه از ضرر شريك قرار دادیم و گمان میکنم که اگر این اندازه هم اینجا نباشد نمیتواند آنقدر از حق اشخاصیکه بدین سیرده شده است محفوظ نگاهدارد و ایرادی اینجا وارد نیست دیگر تمام ضرر را برعهده مؤسسين قرار دادن صحیح نیست .

**افتخار الواعظین** - شرکاء مسئولیتشان محدود به همانست بوده لکن بیش از انعقاد شرکت اگر ضرری متوجه شد هر يك از شرکاء باید با اندازه سهمیکه در دست دارند باید تأدیة ضرر را مطابق آن اندازه سهم بکند ولی مؤسسين اگر در ادای شرایط انعقاد شرکت ایفاء وظایف خودشان را نکنند این معلوم است و تمام ضرر راجع به مؤسسين است بجهت اینکه هنوز شرکتی منعقد نشده است تا اینکه ضرری بسایرین متوجه باشد میگوئیم چنانچه آن ضرر عایشیکه متوجه و مخصوص مؤسسين است اگر این اشخاص یعنی مدیران هم کوتاهی و مسامحه کنند آنها هم در ضرر به آنها شريك خواهند بود .  
**رئیس** - گویا مذاکرات کافی است رای می

گیریم بماده ۷۲ آقایانیکه این ماده را بطوری که قرائت شد تصویب می نمایند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس** - تصویب شد ماده ۷۳ .  
ماده ۷۳ - در صورتیکه نصف سرمایه سوخت شود مدیر یا مدیران شرکت باید مجلس دارندگان سهام را منقذ نموده مراتب را اطلاع و معلوم نمایند که شرکت باید فسخ شود یا نه و در صورت تخلف اعضای هیئت ناظر مسئول خواهند بود و هر يك از شرکاء حق دارند در معاکم صدیه فسخ شرکت را مطالبه نمایند .

**بجهت** - انعقاد مجلس دارندگان سهام منحصر نخواهد بود در صورتیکه نصف سرمایه سوخت شده باشد و در صورت دیگر هم باید منعقد بشود و آن در صورتیکه شرکت از جریان نیفتد یا این که تمام سرمایه شرکت در یک جا گیر بکند اینها هم ضررهائیکه متوجه ممکن است بشود در آن صورت هم مجلس دارندگان سهام باید منعقد شود و تکلیف سهام شرکت را معین بکنند .

**حاج وکیل الرعايا** - انعقاد مجلس صاحبان سهام فقط متوقف باین يك ماده تنها نیست چند جای با آنها حق داده و این هم یکی از آن موارد است و آن ایراد آقای بجهت هم مراعات خواهد شد این مخصوصاً برای يك اتفاق فوق العاده است که باید بتصویب شرکاء کل و جزء برسد تا اینکه زود تر تکلیف شروع در برچیدن آثار بشود .

**ارباب کیخسرو** - بنده سوخت نصف سرمایه را زیاد می دانم عقیده ام اینستکه یکتفرز کمتری برایش قرار بدیم ثلث یا ربع قرار بدهند نصف خیلی زیاد است و اگر بعد از سوخت نصف سرمایه مدیر اطلاع ندادد باید دیگر از سرمایه چیزی باقی نمی ماند . قیده بنده ثلث است یا ربع .

**افتخار الواعظین** - همان علفی که فرمودند نصف نوشتیم چون نصف اگر سوخت شد بکلی شرکت بی یا میشود و از میان میرود بطوری که نمیشود دیگر این ضرر شرکت را جبران کرد در این صورت باید اطلاع بدهند برای فسخ شرکت اما اگر ثلث یا ربع سوخت شد بدیهی است که دیگر این مقدار اسباب فسخ شرکت نمیشود و می تواند شرکت جبران بکند .

بکند اما اگر صد هزار تومان سرمایه داشته باشد و نصف سوخت بشود از جریان مباحثه اینستکه نصف نوشته ایم .

**رئیس** - پیشنهادی ارباب کیخسرو کرده اند قرائت میشود ( عبارت ذیل قرائت شد )  
بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۷۳ نوشته شود در صورتیکه يك ثلث سرمایه سوخت شود الی آخر .

**افتخار الواعظین** - بنده هم قبول میکنم **معین الرعايا** - این اظهاراتیکه آقای مخبر کردند بهترین دلیل بود برای بنده و آقایان چنانکه گفته که تا صد هزار تومان باشد اگر ۲۵ هزار تومان سوخت شد ممکن است جمع شوند اعضای شرکت و دست پای خودشان را جمع کنند اما در صورتیکه نصف سرمایه شرکت سوخت شود ابدأ نمیتواند شرکت بنا پنجاه هزار تومان جبران پنجاه هزار تومان دیگر را بکند و البته در آن موقع صدای مردم در میآید .

**رئیس** - شما که موافق بودید و مخبر هم قبول کرده بود .  
**معین الرعايا** - گمان کردم قبول نکردند .  
**رئیس** - رای میکنیم بماده ۷۳ با اصلاحی که شد و مخبر قبول کرد آقایانیکه این ماده را باین ترتیب تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند .  
**رئیس** - تصویب شد .  
ماده ۷۴ - هیئت ناظره که از مجلس دارندگان سهام انتخاب میشود عده اعضای آن از پنج نفر کمتر نخواهند بود .

**معین الرعايا** - گمان کردم قبول نکردند .  
**رئیس** - رای میکنیم بماده ۷۳ با اصلاحی که شد و مخبر قبول کرد آقایانیکه این ماده را باین ترتیب تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند .  
**رئیس** - تصویب شد .  
ماده ۷۴ - هیئت ناظره که از مجلس دارندگان سهام انتخاب میشود عده اعضای آن از پنج نفر کمتر نخواهند بود .

**رئیس** - مخالفی نیست رای میگیریم  
آقایان که ماده ۷۴ را تصویب مینمایند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) .  
**رئیس** - تصویب شد .  
ماده ۷۵ - تکالیف هیئت ناظره همان است که در جز و شرایط شرکت مخطاط سهامی قیده شده است .

**رئیس** - مخالفی نیست رای میگیریم در ماده هفتاد و پنجم بطریقی که خوانده شد آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) .  
**رئیس** - تصویب شد .  
**افتخار الواعظین** - ماده ۶۶ که رای گرفته شد اصلاحی شده است خوبست حالا با آن اصلاح رای گرفته شود .

**رئیس** - ترتیب صحیح نوشته شده است بعد از تنفس حیاة یکریغ تنفس است .  
مجدداً پس از بیست دقیقه جلسه تشکیل شد .  
**رئیس** - رایورت کمیسیون بودجه راجع بهشتاد و سه هزار تومان برگشتی از بودجه دربار قرائت میشود شور اول این قانون به عمل آمده است و این شور دوم است آقایانیکه تصویب میکنند که داخل شور دوم بشویم قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) .

**رئیس** - تصویب شد .  
**افتخار الواعظین** - ماده ۶۶ که رای گرفته شد اصلاحی شده است خوبست حالا با آن اصلاح رای گرفته شود .

**رئیس** - ترتیب صحیح نوشته شده است بعد از تنفس حیاة یکریغ تنفس است .  
مجدداً پس از بیست دقیقه جلسه تشکیل شد .  
**رئیس** - رایورت کمیسیون بودجه راجع بهشتاد و سه هزار تومان برگشتی از بودجه دربار قرائت میشود شور اول این قانون به عمل آمده است و این شور دوم است آقایانیکه تصویب میکنند که داخل شور دوم بشویم قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) .

**رئیس** - تصویب شد .  
**افتخار الواعظین** - بنده اصرازی ندارم و نمی گویم پیشنهاد نکنید پیشنهاد بکنید ولی عرض می کنم اگر چنانچه سرمایه صد هزار تومان باشد و بیست و پنج هزار تومان سوخت بشود باز شرکت با هفتاد و پنجاه هزار تومان از جریان نیافتد و احتمال هم دارد که آنقدر خسارتیکه وارد شده است جبران

نمیشود .

**حاج شیخ الرئیس - در شورای اول عرض کردم**

حالا هم ناچارم عرض کنم و تکرار کنم عرض میکنم بدون اینکه داخل در اساس و فلسفه حقوق بشویم که تا یک درجه خارج از موضوع بنظر من باید حقوقی در مجلس سابق از تصدیه و کلاه برون آمد بعضی را بکلی قطع نکردند بعضی را تصنیف و بعضی را تثبیت بطوریکه مصلحت بود بعد از آن قطع قانونی یا اصلاح پارلمانی که البته مطاع و مطیع است و هیچ کس حق اعتراض ندارد پیشنهاد بنده اولاً حق کسی را تصویب نمیکنم که مجلس شورای ملی قطع کند مگر بیکم جزو قانونی مثل ارتدادی چنانچه در عقیده بنده ارتدادی است بطوریکه کردند قطع کند و حقوق جمعی از فقهاء و ضمایم ذوی الحقوق جزء این نوع از حقوق قطعاً در نظر مجلس سابق نبوده است که قطع شود و قطع کنند بلکه اگر مراجعه کنید به مقطوعات مجلس سابق در همان کتابچه مقطوعات قطع شده بعضی از همین حقوق جزئی و تبدیل شده است یعنی کم شده است پس گویا یک مرتبه نظر کرده است باین حقوق بعضی را کم کرده بعضی را بقاء کرده است و حالا بنده نمیدانم این مجلس چگونه خودش را حتماً مکلف میدانند که در این آرد دوره تقنینیه جمعی از فقهاء و ضمایم را که برای نان شب معطل هستند و پریشان صاحباهل و عیال هستند و بطوریکه باید برای مجلس دعا گو باشند قطع کنند کلیه مداخذه در قطع این حقوق را با وجدان و انصاف خودم صحیح میدانم.

**حاج شیخعلی خراسانی - اظهاراتیکه**

آقای حاج شیخ الرئیس کردند هیچ راجع باین ماده نبوده بواسطه اینکه این ماده راجع باین است که تا شصت تومان ابقاء باشد از حقوق اشخاصیکه جزء این سیاه هستند و این فرمایش آقای حاج شیخ - الرئیس راجع بکلیات بوده است و در مواد نبوده است.

**حاج سید ابراهیم - بنده یک جزئی ایرادی**

داشتم در کمیسیون هم گفتم خوب است اینجانب نوشته شود که اگر يك تومان ابقاء شود و بدون کسر تومان نوشته شود.

**رئیس -** رأی میگیریم بماده اول بطوریکه نوشته شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۲

ماده ۲ - تا ماخذ یکمصد و بیست تومان ۶۰ تومان بماند ماده (بیشتر) مازاد آن دو نلت ابقاء میشود

**رئیس -** آقایانیکه ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند

**رئیس -** ماده ۲ تصویب شد ماده ۳

ماده ۳ - از یکمصد و بیست تومان تا ماخذ دو صدت تومان یکمصد و بیست تومان بماند ماده (۷)

**رئیس -** آقایانیکه ماده سوم را تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند

**رئیس -** تصویب شد ماده ۴

ماده ۴ - از دو صدت تومان تا ماخذ سیصد تومان دو صدت تومان بماند ماده (۳) مازاد آن چهارمشر ابقاء میشود

**رئیس -** رأی میگیریم بماده چهارم آقایانی که ماده چهارم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۵

ماده ۵ - از سیصد تومان تا ماخذ چهار صد تومان سیصد تومان آن بماند ماده (۴) مازاد آن سه عشر ابقاء میشود

**رئیس -** رأی میگیریم بماده پنجم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد ماده ۶

ماده ۶ - از چهار صد تومان الی تا ماخذ پانصد تومان آن بماند ماده (۵) مازاد آن دو عشر ابقاء میشود

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ششم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند

**رئیس -** تصویب شد ماده هفتم

ماده ۷ - از پانصد تومان تا ماخذ یک هزار تومان پانصد تومان آن بماند ماده ۶ مازاد آن يك عشر ابقاء میشود

**رئیس -** رأی میگیریم بماده هفتم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس تصویب شد ماده هشتم

ماده ۸ - اشخاصیکه نقد و جنس دارند و همچنین اشخاصیکه جنس فقط دارند جنس آنها برقرار خروازی ۳ تومان مقرر و بماند مواد فوق مهل میشود

**رئیس -** رأی میگیریم بماده هشتم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد ماده ۹

ماده ۹ - اینمواد شامل حقوق اشخاصی است که حقوق دیگری ندارند فقط جزو بودجه سابق دربار موظف بوده اند اما اشخاصیکه در ولایات و رکاب غیر از این حقوق حقوق علیحده دارند باید وزارت مالیه تحقیق نماید در صورتی که حقوق خارج از دربار آنان علاوه از حقوق درباری است آنچه در جزو درباری دارند معطوع و ضبط میشود و در صورتیکه حقوق خارج آنان کمتر از حقوق درباری باشد آن حقوق خارجی از آنچه در جزو بودجه درباری تصویب میشود کسر گردانده خواهد شد

**حاج شیخ اسدالله -** این يك مطلبی است که خیلی معمول است در میان ارباب حقوق که بعضی از حقوقشان حواله يك مجلسی است بعضی حواله معمل دیگر شاید بعضی حواله در دوجا سه جا داشته اند حالا اگر مجلس شورای ملی میخواهد این نظرها بکند نظر بخصوص اشخاصی که در بودجه دربار حقوق دارند نباید بکند بنده عقیده ام اینستکه نظر بچقوق در دربار داشته اند نباید بشود یا اینکه این ماده بکلی حذف شود تا اینکه نسبت بنام ارباب حقوق یکسان باشد بجهت آنکه در بودجه دربار حقوق داشته در جای دیگر هم داشته باید طوری باشد که اگر از حقوق بودجه در باری آن کسر میشود از آن یکی نشود و آندو دلیلی ندارد که اگر یکمقدار از حقوق که در بودجه دربار منظور شده است کمتر شد از آنمقدار حقوقیکه در محل دیگر منظور شده این باید قطع شود باید بنظر تساوی بنام ارباب حقوق نظر شود اگر میخواهند ارباب

حقوق بعضیهای مختلفه حقوق نداشته باشند این راجع يك پیشنهادی است که از طرف وزارت مالیه بشود و بیاید مجلس و در آن رأی گرفته شود و حالا از موضوع این لایحه بکلی خارج است

**حاج عز الممالک -** این نظری که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند مربوط باینجا نیست بجهت اینکه مادر حقوق اشخاصی که در دربار حقوق داشتند نظر میکنیم و مقصود تساوی حقوق کلیه ارباب حقوق نیست در صورتی کهخواستیم تساوی حقوق کلیه ارباب حقوق را منظور کنیم آنوقت مواد سابقه را هم نی بایستی بنویسیم و اینماده هم شامل سایر ارباب حقوق نیست اینجا میگوئیم که اگر کسی یکمصد و بیست تومان مواجب داشت در محل دیگر صد تومان در دربار باو مثنی رسد این صد تومان جزو حقوق درباری بکلی قطع میشود و اگر آن اشخاصیکه در دربار حقوق داشتند مثلا صد تومان در دربار حقوق داشتند در محل دیگر هشتاد تومان آنوقت هر قدر که از این صد تومان دربار او تصویب شد آن هشتاد تومان از اینمقدار کسر خواهد شد و دیگر عیالتان در خصوص تساوی حقوق کلیه ارباب حقوق مذاکره کردن بکلی خارج از موضوع است

**حاج شیخ اسدالله -** چون نسبت بحقوق سایر ارباب حقوق نظری شده و نسبت بحقوق ارباب حقوقیکه در بودجه دربار حقوق داشته اند نظری نشده است در کمیسیون بودجه مجلس سابق اینستکه آمده است بمجلس و يك نظر دیگری در اینجا شده است حالا اینکه اینجا يك اختصاص میدهد و تقریباً يك فرقی میگذازند پیش از اینها و سایر حقوقات بنده عقیده ام اینستکه خیر اینطور است و اینها هم جزو دیون عمومی است و اینها هم مثل سایر حق یا باطل يك حقوقی میگرفته اند حالا که ما میخواهیم تسویه بکنیم باید يك نوعی تسویه بکنیم که با سایر ارباب حقوق يك نوع تسویه کرده باشیم آنها را در کمیسیون سابق مجلس يك نظری کردند بعضیها را که صلاح بود باقی گذاردند بعضیها را قطع کردند بعضیها را کسر کردند و این را هم که حالا صلاح دانسته اید که تسویه بشود و تسویه میشود در موقع تسویه شدن دیگر اینکه بگوئیم اگر هر يك از اینها در دو محل حقوق داشته باشند یکی را مجلس قطع بکنند اینرا دیگر بنده تصویب و تصدیق نمیکنم و فرق نمیکند میان این ارباب حقوق با سایر ارباب حقوق که در محل های دیگر حقوق دارند اگر آنها را میخواهید يك محل معینی که دارند سایر جاهایش را قطع کنید این ممکن نیست اگر میخواهید همه را يك نظر نگاه کنید و اینکه میفرمایید در سابق نظر شده است بنده عرض میکنم که این در جزو مقطوعات نبوده است و حالا میخواهیم يك راهی در حق آنها بکنیم

**حاج شیخعلی -** این فرمایش آقای حاج شیخ اسدالله هیچ راجع باین موضوع نیست يك موضوعی است علیحده بجهت اینکه اگر آن نظری که باید بجهت ارباب حقوق کرد یعنی بطور تساوی باشد در این لایحه هم آن نظر تساوی را بکنیم آنوقت یکمقدار پیدا میشود چهار تومان حقوق دارد آنوقت باید همه را قطع کنیم که همه تساوی داشته باشند در حقوق پس باین ملاحظه نمیشود که بطور تساوی

باشد و این يك حقوق مصوبه نیست که ما میخواهیم قطع کنیم

**رئیس -** مذاکرات گویا کافی است رأی میگیریم بماده ۹ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۱۰

ماده ۱۰ - الحاقیه کمیسیون - حقوق اشخاصی که برضد اساس حکومت ملی قیام و اقدام نموده اند بکلی معطوع و از این قانون مستثنی است

**ارباب کیخسرو -** بنده تصور میکنم آن ماده که سابق گذشته است کافی است و دیگر اینماده لازم نیست چون در آنماده که سابق گذشته است هیچ اسم برده نشده است که راجع باین حقوق باشد یا سایر حقوق و برای کلیه حقوق نوشته شده است پس در اینصورت تصور میکنم که همان ماده کافی است

**مخبر حاج عز الممالک -** اگر چه همان طوری که آقای ارباب فرمودند آن ماده شامل تمام حقوق میشود ولی این ماده مخصوصاً نوشته شده است بجهت اینکه در دربار اشخاصی هستند که در اینصورت حقوق دارند که باید قطع شود در اینصورت اینجا هم باشد گویا ضروری نخواهد داشت

**رئیس -** گویا مذاکرات کافی باشد رأی می گیریم بماده ۱۰ آقایانیکه تصویب میکنند ماده دهم را قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۱۱

ماده ۱۱ - مبلغ شانزده هزار و دویست و چهل پنج تومان چهار هزار نقد و مقدار ششصد و بیست و پنج خروار و شصت و سه من غله و هفتصد و شصت خروار و شصت و پنج من که بموجب دو فقره طبع شده و ضمیمه آن شامل چهل و سه قلم کلیتاً معطوع است

**مخبر -** پیشنهادی کرده ام چون در صورت مقطوعات چند نفر از قلم افتاده و باید آنها اضافه شود

**رئیس -** پیشنهاد مخبر قرائت میشود (بیمارت ذیل قرائت شد)

فهرمانغان نیر السلطان ۳۶ تومان - سدیدالملک ۲۵۰ تومان حشمة الملک ۱۰۰ تومان ارشد السلطنه ۵۰۰ تومان - منصور السلطنه ۱۰۰ تومان اشجع الملک ۳۰۰ تومان فاتح الملک ۳۰۰ تومان

**محمد هاشم میرزا -** خوب است آقای مخبر توضیح بدهند بعضی از آقایان که مسبق نیستند مسبق شوند

**مخبر -** بعضی توضیحات امروز از طرف بعضی از نمایندگان داده شده که این اشخاصیکه می خواهیم حقوقشان قطع شود این اشخاص سردست های امیر بهادر بودند و باید حقوقشان قطع شود بنده هم قبول کردم اعضای کمیسیون هم قبول خواهند کرد که جزو مقطوعین باشد یکی قهرمانغان است که ۳۶ تومان داشته است و سدیدالملک دویست تومان حشمة الملک صد تومان ارشد السلطنه ۵۰۰ تومان همانطور که نوشته ام که باید اضافه شود بآن اسامی معطوعین

**میرزا داودخان -** بنا بر اطلاعی که بنده دارم حقوق لطفعلی - ان ارشد السلطنه هفتصد و بیست و دو

تومان است نه پانصد تومان بنویسند هفتصد و بیست و دو تومان

**مخبر -** ممکن است دو قلم باشد بنده يك قلم اورا دیده ام هر چه دارند نوشته شود هفتصد و بیست و دو تومان است همان نوشته میشود دیگر آنکه بر حسب اظهار دو نفر از نمایندگان حقوق دو نفر دیگر بجهت معطوع شده است باینجهت بنده پیشنهاد میکنم که مواد دیگر رأی گرفته شود تا این ماده را اصلاح کرده پیشنهاد کنم

**رئیس -** مذاکرات کافی است ماده ۱۲ قرائت میشود تا مخبر اصلاحشان را بدهند (بیمارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۲ - الحاقیه کمیسیون - حقوق اداری از این قانون مستثنی و بکلی معطوع است

**رئیس -** در ماده ۱۴ مخالفی نیست؟

**حاج شیخ اسدالله -** اینماده یک قدری ناقص است حقوق اداری تنها نیست باید ضمیمه شود حقوقی که در زمان معدوم میزها اضافه شده است آنها هم مستثنی شود

**مخبر -** آن حقوق بکلی مستثنی است و جزو این حقوق و این بودجه باید نیامده است این معین است که اگر باشد مستثنی است

**ارباب کیخسرو -** يك سؤالی داشتم بحقوق اداره نوشته است حقوق اداری از این قانون مستثنی و بکلی معطوع است بنده معنی این را نمیفهمم توضیح بدهند معلوم شود

**مخبر -** مقصود بعضی سردست ها بوده است که حقوق داشته اند حقوق خدمتشان مثلاً سردسته کشیکخانه سیصد تومان حقوق داشته است حقوق خدمتی یا دویست تومان مواجب داشته حقوق خدمتی بوده است ولی فرمان نداشته است او معطوع است ولی اشخاصیکه فرمان دارند باقی است و برقرار میشود

**رئیس -** گویا مذاکرات کافی باشد - آقایانی که ماده ۱۲ را تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۱۳ (بیمارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ - الحاقیه کمیسیون - متوفیات از این حقوق مطابق قانون باید معمول شود

**رئیس -** مخالفی است؟

**حاج سید ابراهیم -** بنده نمیدانم مراد از این ماده چیست مراد اینستکه بعد از این متوفی میشوند یا اینکه متوفی شده اند اگر متوفی شده اند که موافق قانون متوفیات رفتار میشود محتاج برای ماده نیست اگر مراد اشخاص آنستکه در این دو سال فوت شده اند آنهم مطابق قانون متوفیات عمل میشود و این ماده منافی با آن قانون است اگر مراد اینست که از ۵۰۰ تومان با هزار تومان علاوه است بماند ماده ۶ مازاد آن يك عشر الی تا میشود یا آنکه بماند ماده (۴) ۲۸۰ تومان است مازاد آن چهارمشر القامی شود که مراد از متوفیات حالا یا بعد است باید قید شود بنده اینرا صحیح نمی دانم

**مخبر -** اولاً آقای حاج سید ابراهیم مثل اینستکه در کمیسیون تشریف نداشتند یا اینکه درست در این اشخاص رسیدگی نکردند بنده عرض میکنم

متوفیات در این بودجه خیلی کم است و هیچ حقوق صد تومان در بین آنها نیست و چون کم است انصاف نبود که مطابق قانون متوفیات عمل شود بجهت اینکه در حقیقت اگر بقانون متوفیات عمل شود هیچ میشود اینست که کسر آن راجع میشود بقانون متوفیات

**رئیس -** مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است)

**حاج شیخعلی -** بنده پیشنهادی دارم

**رئیس -** اصلاح حاج شیخعلی خراسانی قرائت میشود (بیمارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۴ اینطور نوشته شود

متوفیات این حقوقات بعد از رعایت مواد این قانون موافق قانون متوفیات رفتار شود

**رئیس -** توضیحی دارید

**حاج شیخعلی -** بواسطه اینکه بآن ها هیچ داده نشده است و حالا ما می خواهیم حقوقی برای آنها معین کنیم اگر آن اشخاص حیات می داشتند لابد این مواد شامل حال آنها میشود چون آنها حیات ندارند و از میان رفته اند فقط حقوق آنها همین است و فقط همان مواد قانون متوفیات شامل آنها بشود کافی نمی دانم لهذا پیشنهاد کردم که این قانون رعایت شود چون اگر بقانون متوفیات عمل شود چیزی باقی نمیمانند پس يك راهی لازم است که در باره آنها بشود یعنی بعد از رعایت آن وقت قانون متوفیات اجرا بشود لهذا بنده پیشنهاد کردم اول این قانون مجرا بشود بعد قانون متوفیات مجری شود

**مخبر -** اینکه آقای فرمودند مخصوصاً هیچ فلسفه ندارد بنده مخصوصاً توضیح دادم که اشخاصی که متوفی شده اند خیلی کم است و حقوقشان هم خیلی کم است خوب بود رجوع می کردند بصورت جزء و منتفت میشدند در صورتیکه کلیه این حقوق ۳۰ تومان و ۴۰ تومان و ۵۰ تومانی است و بیشتر از این نیست و عددهشان هم خیلی کم است در اینصورت آن قانون متوفیات را بگوئیم شامل آنها بشود حقیقه سزاوار نیست چون يك جا حقوق آنها را بگوئیم این قانون کسر میکنیم و یکجا بواسطه قانون متوفیات کسر بکنیم خیلی بی انصافی است

**حاج وکیل الرعایا -** در اینجا آقای مخبر می فرمایند که حقوق متوفیات جزئی است و ۳۶ تومان و ۴۰ تومان یا ۶۰ تومان است ابقاء شود دیگر آنکه فرمودند فلسفه ندارد می خواهم فلسفه اورا عرض کنم بنده مخالفم با اینکه این قانون باین طور از اینجا بگذرد و بآن اظهاراتی که آقای حاج شیخعلی کردند موافق فلسفه اش را می خواهم عرض کنم قانون باید عمومیت داشته باشد حالا هر چه گذشته است او می تواند يك قانونیتی داشته باشد ولی از یکطرف هم مردم يك نانی يك وسیله معاش برای خودشان فرض می کنند اولاً اسم حقوق روی این گذاشتن فلفط است این بکلانی است که باشان داده میشود چون اهل این مملکت هستند و اهل این خاک و آب هستند دولت يك رعایتی در حق ایشان نمیکند هیچ مربوط بحقوق نیست از این راه که میخواهیم تصور کنیم چون از مجلس نگذشته است همین قدر از اهمیت را پیدا کرده است عیالتان اول دفعه است که این ب مجلس آمده است ولی قبل از این



مواد خوانده شود تا آقایان مسبق شوند و اینقدر اشکال تراشی نفرمایند .

**رئیس** - همه مواد را میخواهید چهارماده است خوانده میشود ( ببارت ذیل قرائت شد ) .

ماده اولی - صوم کسانیکه جنس انبار میکنند اهم از مالکین و مستاجرین و اشخاصیکه جنس خریداری کرده اند باید صورتیکه دارای مواد ذیل باشد در موقع انبار کردن جنس در ظرف یکماهه با اداره حکومت و بلدی بدهند و نوشته از این باب دریافت دارند بدون اینکه دینداری از این باب بر آنها تحمیل شود اولاً مقدار جنس بدون کسر ثانیاً مقداریکه از آن برای مصارف شخصی یا بدو مساعده با مالیات لازم دارند ثالثاً محل انبار .

ماده ثانیه - هر گاه پس از تفتیش و تحقیق بر حکومت و بلدی معقق شده که کسی صورت جنس موجودی خود را نداده یا اضافه بر صورتیکه داده انبار کرده حکومت حق دارد با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدی جنس انبار را بفروش رسانند و وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد .

ماده ثالثه - فروش جنس و نرخ آن بکلی آزاد است ولی کسانیکه جنس خود را بفروش میرسانند با مصارف آنها زیاده از تخمین ابتدائی شده صورت آنرا ببلدی و حکومت اطلاع خواهند داد .

ماده رابعه - در موقعیکه هیئت مصدق تصدیق کمی جنس برای ارزاق لازم شهر نمایند حکومت باید مطابق صورتیکه از انبار داران گرفته شده و در کتابچه مخصوص ضبط است اخطار و الزام کند که بر حسب تقسیم انبار داران باید از جنس خود بنرخ عادل روزانه برسانند چنانچه پس از اخطار بآنها و الزام جنس خود را نفروشد حکومت مکلف است با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و انجمن بلدی در موعد مقرری کاز ابتدا معین کرده اند انبار را باز کرده جنس آنها را بقیمت عادلانه بفروشد و وجه آنرا تقدماً بدون کسر تسلیم صاحبان جنس نماید و هر خرواری یک تومان مجاز است نقدی از محتکرین دریافت خواهد شد .

تبصره - برای تصدیق کمی جنس و تعیین قیمت عادلانه هیئت باسم مصدق در اداره حکومتی در تحت نظر شخص حاکم مرکب از سه نفر از اهضای انجمن ایالتی یا ولایتی و سه نفر از اهضای بلدی و یک نفر از اداره ماله تشکیل خواهد شد تشکیل این مجلس و تعیین جلسات آن بسته بنظر حکومت و اهمیت موقع و لزوم است .

**رئیس** - حالاندا کرات در ماده اول کافی نیست ( گفتند کافی است ) .

**رئیس** - دو فقره اصلاح پیشنهاد شده است یکی از طرف افتخار الواعظین و یکی دیگر از طرف حاج سید ابراهیم و دومه هم از طرف آقای ادیب التجار پیشنهاد شده است اول ماده ادیب التجار خوانده میشود و رأی گرفته میشود ( ببارت ذیل قرائت شد ) این بنده دومه ذیل را پیشنهاد میکنم .

ماده اول - هیچکس بهیچ عنوان زیاده از مصرف لازمه معیشت خانواده خود و زراعت خود و مصرف زراعت ملک شخصی تارداشت اولین محصول آینده حق جنس گندم و جو را ندارد .

ماده ۲ - هر کس زیاده بر مقدار مذکور در

ماده اول گندم و جو جنس نماید باید در هر ماهی از برای هر یک خروار گندم یک تومان و هر یک خروار جو پنجقران بکارگذاران دولتی بپردازد .

**رئیس** - اینک عرض کردم ماده آقای ادیب التجار را بعد رأی بگیریم برای اینست که این همان ماده و پیشنهاد اولی است و اگر بنا شود که در این رأی بگیریم مثل آنستکه در پیشنهاد اولی رأی گرفته باشیم چون کمیسیون لایحه داده است و پیشنهاد کمیسیون خودش یکنوع اصلاحی است اول در پیشنهاد کمیسیون باید رأی بگیریم بعد اگر تصویب نشد باماده آقای ادیب التجار رأی بگیریم .

**مخبر** - اینامده را که آقای ادیب التجار پیشنهاد کرده اند خیلی اسباب زحمت خواهد شد بواسطه اینکه قانون باید عمومیت داشته باشد برای همه مملکت و برای همه زمان نه اینکه از برای اسامال و برای شهر طهران باشد آنطوری که آقای ادیب التجار پیشنهاد کرده بودند در کمیسیون رد شد بجهت اینکه آن پیشنهاد برای همین اسامال خوب است و برای شهر طهران که تنگی گندم است والا نه بحال مملکت ثمر دارد و نه برای سالهای بعد اگر اینطور باشد که هیچکس جنس انبار نکند و گندم هم نیاورند و در یکسالی هم گندم نباشد چه خواهد بود حال مردم اینشاده که نوشته شده است نه اینستکه مردم برونند گندم خودشان را انبار کنند این ماده برای این نوشته شده است که هر کس گندم زیاده از مصرف خودش داشته باشد باید آن زیادی را بحکومت یا اداره بلدی اطلاع بدهد که در وقت حاجت حکومت باو بگوید که حال وقت حاجت است باید گندم را بقیمت عادلانه بفروش برسانی این تفسیراتی را که آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند در این ماده وارد نیست ملاحظه فرمائید یک وقت هست که جنس خریدار ندارد و کسی مشتری نیست که بخرد در اینصورت چه باید بکند باید انبار کند باین لحاظ بود که در کمیسیون پیشنهاد آقای ادیب التجار وارد کردند و این ماده را نوشتند .

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد حالا دو فقره پیشنهاد قرائت میشود ( ببارت ذیل قرائت گردید )

اول از طرف افتخار الواعظین .

بنده پیشنهاد میکنم که بعد از لفظ حکومت و اداره بلدی یا مباشر محل زیاد شود

دویم از طرف آقای حاج سید ابراهیم .

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول این عبارت زیاد شود در صورتی که زیاده بر پنج خروار باشد :

**مخبر** - اصلاح آقای افتخار الواعظین را بنده قبول میکنم .

**رئیس** - آقای حاج سید ابراهیم توضیح بدهید **حاج سید ابراهیم** - چون وقتی که شور اول بود با وزیر داخله در مجلس خیلی مذاکرات شد گفته شد که مقصود از این ماده عدم احتکار است که گندم در انبار احتکار نشود یعنی در وقت احتیاج مردم احتکار نکنند و این از برای اینستکه بقدر خودشان نگاه بدارند پنج خروار و ده خروار این هیچ فایده ندارد پس یک حد اعتدالی را باید برای او قرار داد و میزان را شش خروار معین کرده بودند لیکن بنده پنج خروار نوشته ام چون کافی

می دانم .

**مخبر** - پنج خروار زیاد است اگر چهار خروار باشد بنده قبول میکنم .

**حاج سید ابراهیم** - چهار خروار بنویسید .

**رئیس** - دو مرتبه خوانده میشود با اصلاح چهار خروار ( مجدداً ماده با اصلاح حاج سید ابراهیم قرائت شد )

**رئیس** - بیسوق قبول دارید .

**مخبر** - بله قبول میکنم .

**رئیس** - رأی میگیریم باماده اولی آقایان که تصویب می کنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - ماده ۲ ( ماده ۲ بضمون ذیل قرائت شد .

ماده ثانیه - هر گاه پس از تفتیش و تحقیق حکومت و بلدی تحقیق شده که کسی صورت جنس موجودی خود را نداده یا اضافه بر صورتیکه داده انبار کرده حکومت حق دارد با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدی جنس آن را بفروش رسانند و وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد .

**حاج شیخ الرئیس** - بنده ملاحظه میکنم کم کم موضوع مذاکره و مشاوره بکلی از عنوانی که پیشنهاد شده است خارج میشود یعنی از قراری که بنده میفهمم و توقع هم نداشتم بعضی از نمایندگان میخواهند با بفهمانند که مطلق جنس انبار کردن بعضی غله از جو و گندم و خرما را انبار کردن احتکار است و بعد مثال میزنند که اگر در سیستان احتکار کنند عیب ندارد این خروج موضوعی دارد و باید دید که این مسئله در کجا صدق میکند و در کجا آن قانون گذار بعد از آن را منع کرده است اصل غله انبار کردن مکروه هم نیست چه رسد به جرم البته هر کسیکه صاحب ملک است مثل بنده شاید از املاک موهوم بتوانم جنس انبار کنم و بفروشم بدون این که بن اسم احتکار صادق بیاید و یک قدری نفع بکنم و این احتکار نیست احتکار اینست که من بخرم و برای این که گران بفروشم انبار بکنم و ذخیره بکنم پس اگر کسی زائد از محتاج الیه خودش ذخیره کرده سهواً یا بعداً قلم داد نکند بجه عنوان شرعی از او جرم میگیرند و بجه میزان در غیر موقع حاجت عمومی که صدق احتکار بر آن نمیشود ممکن است جنس او را بیرون آورند و فروخت بنده این را منافی عدل و شرع و همه چیز میدانم

**حاج شیخعلی** - این محازاتی میشود بجهت آنشخص که از قانون خارج میشود ما در اول حکم باو نمیکنیم که یک مقداری وجه بدهد ما میگوئیم صورت بدهد برای این که در یک موقعیکه محل احتیاج مردم شد بدانیم که جنس در کجا است حالا اگر او امتناع کرد یا خلاف این قانون رفتار کرد معلوم میشود که میخواست است احتکار بکند برای این که اگر مقصود جن احتکار ندارد چرا صورت نداده است وقتیکه تخلف از این قانون میخواهد بکند باید این مجازات بشود برای این که از قانون تخلف کرده است .

**حاج شیخ اسدالله** - چیزیکه قانون منع

احتکار را تا بحال در کمیسیون توقف داده است همین مواد است که اسباب اشکال شده است و این جهتی داشته است و یک قدری باید دقت کرد که منع احتکار ما مطابق موازین شرع باشد و دیگر بعضی تصرفات ما در قانون شرع نباشد بکنیم فقط شارع مقدس اجازه داده است که در موقع حاجت و لزوم کسیکه دارای غنه است و نمیفروشد او را مزه بفروش باید کرد این قانون احتکاری را که ما مینویسیم که اگر احتمال رفت که اطلاع ندارد باید جنس او را فروخت همانطوریکه آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند از روی چه میزان است حالا فرضاً بنده تصدیق کردم این ماده را و حال این که هرگز تصدیق نخواهم کرد عرض میکنم بعد از این که این شخص اطلاع نداد و لازم شد که این جنس او فروخته شود این مأمورینی را که ما در این مملکت داریم و اغراضیکه در این مملکت ما هست بینند ملاحظه فرمائید بطور این مسئله سوه استعمال میشود مثلاً در اینجا مینویسد اگر هر آینه اطلاع بحکومت نداد حکومت باید جنس او را بفروشد و موارد این را ملاحظه کنید که در موقع فروش مینویسد با اطلاع انجمن بلدی و جمعی این چطور میشود ممکن است وقتیکه حکومت یک غرضی با او پیدا کرد بخواهد ضرری باو بزند حکم میدهد که فلان کس حتماً صورت نداده و میآید انبار او را مینکنند ما قول کردیم سنه فرار بدهیم که این اطلاع داده است یا نداده است این که ما را مجبور کرد بر این که این قانون تا بحال همینطور در کمیسیون مدتی برای همین محظورات بود در کمیسیون خود مدتی عضو بودم و مخبر هم بودم و این آمد بکمیسیون داخله و در کمیسیون وزیر داخله را خواستیم که بیاید توضیح بدهد بدیختانه وزیر داخله حاضر نشد حالا بنده عقیده ام اینستکه این ماده را اگر با اینحال و همین کیفیت رأی بدهیم چون منحصر بخود طهران نیست در سایر ولایات هم باید باشد نظر بر مرکز و طهران نباشد که بعضی از ادارات و ترتیبات نیست که قدری جلوگیری از تعدیات میشود خوبست قدری نظر بسایر ولایات و فراه و بلوکات و آن مباشترین بکنیم و یک قدری نظرها وسعت بدهیم بسایر ولایات بینیم نسبت بآن رعایا و آن ضما و زارعین بیچاره و آن مباشترین که مأمور و مسلط بر آن ضما هستند چه بلاها بر سر رعایا میآورند برای قانون منع احتکار اسباب صدمه آنها را فراهم میآورند در ماده قبیل گذشت که بتوسط مباشر محل باید اطلاع بدهد مباشترین محل چه اشخاصی هستند همان اشخاصی هستند که مردم متصل از دست آنها فریاد میزنند .

**رئیس** - شما که تمام از مأمورین دولت بد می گوئید .

**حاج شیخ اسدالله** - بنده این جا شخص مخصوصی را نظر نداشتم .

**حاج شیخعلی** - خیلی متعجب از بعضی از ایرادات که میفرمایند اگر بنا باشد که ما می سوه استعمال را در نظری داشته باشیم میفرمایند پس چگونه مملکت را بدست اشخاص میسپاریم اگر سوه استعمال باشد پس چگونه مارا و کبیل کردند اینجا گذاشتند

برای چه انجمن ولایتی را انتخاب میکنند بعد از اینکه بخواهند غله را بنوسط حکومت و انجمن بلدی بفرمایند و بفرشند دیگر چه سوه استعمال دارد اما رعایا و زارع را میفرمایند ما که گفته ایم تا چهار خروار لازم نیست صورت داده شود و آنستیکه زیاده از چهار خروار را ذخیره بکنند این جزء رعیت نیست جزء مالکین خواهد بود جزء اشخاصی هستند که میخواهند غله انبار کنند اینهم که گفته اند این بول را چرا بدهند این برای اینستکه مأمورین زحمت میکنند گندم او را میفروشند و این برای اینست که تقابل کرده است و باو گفته اند اطلاع بدهد نداده است ما که گفته ایم چیزی بر او تعدیل شود چرا اطلاع نداد پس وقتی که میخواهد احتکار بکند دزدی بکند از قانون خواست تخلف بکند این خودش یک نوع مجازات است این بجهت اینست که از مجازات بتدریسند البته وقتیکه خبر دادند که غله دارد چهار خروار است بیخود نیست که هر کس بروید که شما گندم انبار کرده اید چیزی از او بگیرند البته دفتر هست و ثبت هست میروند از روی آن ثبت و دفاتر لابد رسیدگی خواهند کرد والا اگر ما بخواهیم ملاحظه اینست که یک نقطه یا یک جائی تعدی ممکن است بشود این همه ایرادات بکنیم پس باید اصلاً قانون وضع نکنیم بنده معظوری در این ماده نبینم بلکه خیلی خوب ماده است و تمجید میکنم از ماده اولی که صورت بدهد که آن صورت دست حکومت و مأمور محل باشد وقتیکه احتیاج دارند بتوانند گندم بخرند برسانند .

**رئیس** - این اصلاح عبارتی نیست

**ادیب التجار** - یک قسمتی که راجع با اصلاح عبارتی است و باید نوشت چون مینویسد حکومت حق دارد یعنی اگر دلش خواست میکند اگر نتوانست نمیکند و این منافی با قانون است حکومت باید بکند و چون این تخلفی است که نسبت به ماده اول صاحب گندم کرده است و در حقیقت یک تخلف بزرگی بقانون کرده است این بود که بنده نوشتم خرواری سه قران را بعنوان جزاء نقدی که صورت نداده است و خلاف قانونی کرده است بعوض آن پنج قران بگیرند .

**رئیس** - این اصلاح عبارتی نیست مخبر چه می فرمائید .

**حاج شیخعلی** - صورت شرعی ندارد و آن پنجقران را که نوشته ایم برای حق الزحمه بجهت آن مأمورینی که اینکار را میکنند بگیرند و جزای او همان فروش گندم است و اما لفظ حق دارد چنانچه آقای افتخار الواعظین فرمودند بواسطه این است که شاید یک وقتی بود که لازم نداشت این کار را بکنند در اینصورت چرا جنس را بفروشد آن لفظ حق دارد برای این بود که وقتی که مردم احتیاج دارند اینکار را بکنند .

**رئیس** - تقاضائی شده است از طرف آقای ذکاء الملك که برگردد بکمیسیون ( تقاضای آقای ذکاء الملك بضمون ذیل خوانده شد )

بنده تقاضا میکنم اینشاده بکمیسیون رجوع شود

**ذکاء الملك** - بنده اشکال می بینم در این که رأی بدهیم همانطوریکه اینجا توضیح کردید باید یک مجازاتی معین بشود برای آنهاستیکه صورت نمیدهند اما کلبه بموجب قانون شرعی که این قانون هم مؤید او خواهد بود دولت حق ندارد در وقتی که محتاج نشود جنس اشخاصی را که جنس دارند بفروشد پس اینکه اینجا مینویسد که دولت در غیر موقع ضرورت جنس را بفروشد اینکه هیچ صحیح نیست اگر در موقع ضرورت باشد که البته اینکار را خواهد کرد اینجا مجاز است تعیین کردن از برای اشخاصی است که صورت نداده اند و آنهم باینطور نباید باشد اینست که بنده این ماده را صحیح میدانم و بهتر اینست که ثانیاً در کمیسیون مذاکره بکنند یک مجازات صحیحی برای اشخاصی که تخلف از قانون کرده اند معین بکنند .

**رئیس** - رأی میگیریم در ارجاع بکمیسیون آقایانیکه تصویب میکنند رجوع به کمیسیون شود قیام نمایند اغلب قیام نمودند .

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد بر میگردد به

برای چه انجمن ولایتی را انتخاب میکنند بعد از اینکه بخواهند غله را بنوسط حکومت و انجمن بلدی بفرمایند و بفرشند دیگر چه سوه استعمال دارد اما رعایا و زارع را میفرمایند ما که گفته ایم تا چهار خروار لازم نیست صورت داده شود و آنستیکه زیاده از چهار خروار را ذخیره بکنند این جزء رعیت نیست جزء مالکین خواهد بود جزء اشخاصی هستند که میخواهند غله انبار کنند اینهم که گفته اند این بول را چرا بدهند این برای اینستکه مأمورین زحمت میکنند گندم او را میفروشند و این برای اینست که تقابل کرده است و باو گفته اند اطلاع بدهد نداده است ما که گفته ایم چیزی بر او تعدیل شود چرا اطلاع نداد پس وقتی که میخواهد احتکار بکند دزدی بکند از قانون خواست تخلف بکند این خودش یک نوع مجازات است این بجهت اینست که از مجازات بتدریسند البته وقتیکه خبر دادند که غله دارد چهار خروار است بیخود نیست که هر کس بروید که شما گندم انبار کرده اید چیزی از او بگیرند البته دفتر هست و ثبت هست میروند از روی آن ثبت و دفاتر لابد رسیدگی خواهند کرد والا اگر ما بخواهیم ملاحظه اینست که یک نقطه یا یک جائی تعدی ممکن است بشود این همه ایرادات بکنیم پس باید اصلاً قانون وضع نکنیم بنده معظوری در این ماده نبینم بلکه خیلی خوب ماده است و تمجید میکنم از ماده اولی که صورت بدهد که آن صورت دست حکومت و مأمور محل باشد وقتیکه احتیاج دارند بتوانند گندم بخرند برسانند .

**رئیس** - مذاکرات گویا کافی باشد اصلاحی آقای افتخار الواعظین پیشنهاد کرده اند خوانده میشود ( اصلاح مزبور بضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که در موقع ضرورت و لزوم در ماده (۲) زیاد شود .

**افتخار الواعظین** - اینجا نظر مارك آقایان البته متوجه است که تمام غرض ما از وضع این قانون اینست که ما در موقع حاجت و ضرورت مردم را از تنگی و عبرت خلاص بکنیم و گندم دار ها نتوانند خوراک مردم را انبار کنند عرض میکنم اگر کسی دارای سیصد خروار غله است و تمام را در یک محلی انبار کرده و بحکومت هم اطلاع نداده اگر چنانچه محل حاجت عمومی نباشد و موقع ضرورت و لزوم نباشد حکومت او را بجه نوع و از روی چه قانون خواهد فروخت پس این نکته همیشه در نظر آقایان باید باشد و هست که احتکار مصداقش موقع ضرورت و حاجت است این است که بنده پیشنهاد کرده ام در ماده دویم که اگر صورت نداد حکومت آن مقدار زائد را در موقع حاجت و ضرورت ببرد و بفروشد و **حاج شیخعلی** - اینجا موقعی است که بنده بگویم آقای افتخار الواعظین تشریف نداشتند وقتیکه تمام آن مواد خوانده میشد آن گه می فرماید در ماده ثالث است اینماده بجهت این است که صورت بدهند اگر اینشاده نباشد رت خواهند داد و اگر صورت نباشد آن مأمور حکومت چه می داند که در کجا غنه است که برود از او بگیرد اینجا میگوید که باید صورت بدهند آنوقت در ماده ثالث میگوید که وقتیکه ضرورت پیدا کرد چه باید کرد و این اصلاح هیچ قبول نمیشود .

کمیسیون ماده ۳ (بیمارت ذیل قرائت شد) -  
ماده ناله - فروش جنس و نرخ آن بکلی آزاد است ولی کسانی که جنس خود را بفروش می رسانند یا مصارف آنها زیادت از تخمین ابتدائی شده صورت آن را به بلدیّه و حکومت اطلاع خواهند داد.

**رئیس - مخالفی هست .  
حاج وکیل الرعایا -**

چون قانون باید واضح باشد که همه کس بتوانند بفهمند اینجا که می گویند فروش جنس بکلی آزاد است بنده گمان می کنم که فروش و تجارت جنس هر دو باید آزاد باشد بعضی ممکن است این معنی را نتوانند بفهمند و شاید همچو تصور بکنند که مراد اینست که فقط اگر بخواهد بفروشد یا بخرد میتواند ولی بگوتی لازم میشود که یکمقدار خیلی عمده بطور تجارت از یک محلی بهای برسد و گمان میکنم که اینطور نوشته شود که هر دو آزاد باشد.

**حاج شیخ اسدالله -** بنده تصور میکنم که همینکه خرید و فروش آزاد شد همان اجازه تجارتش هم هست دیگر معین کردن که تجارتش هم آزاد باشد لزومی ندارد.

**آقا میرزا احمد -** اینماده بکلی نتیجه این قانون را از میان میرد برای اینکه میزان نوشتن صورت را بخود مالک داده اند تخمین ثانوی را هم بخود او واگذار کرده اند که هرچه دلت میخواهد آنصورت را بچکومت و اداره بلدی خواهد داد اگر پنج خروار مصارف او باشد میتواند صد خروار صورت بنده بدون اینکه ذکر دلائل بکند و حکومت هم باید بپذیرد از این جهت بنده تصور میکنم اگر یک ذکر دلائلی در اینجا اضافه بشود ضرر ندارد و الا بکلی فایده این طرح قانونی از میان میرود.

**حاج شیخعلی -** آقای آقا میرزا احمد اشتباه کرده اند اینماده خیلی لازم است بملاحظه اینکه یک شخصی ده خروار اول لازم داشته درین میخواهد بجهت مصارف امور زندگی خودش دو خروارش را بفروشد یا یک مخارج فوق العاده بجهت او وارد شده است که میخواهد بفروشد آنوقت چه باید بکند اگر بفروشد که حکومت در موقع لزوم باو خواهد گفت آن جنس چه شده است و اگر بفروشد و آزاد نخواهد بود پس بهتر اینست که اینماده باشد برای اینکه هم وقتیکه در نزدیک هر کس هست معلوم باشد و هم آزاد باشد در خرید و فروش و این اشکالی را که میفرمایند وارد نیست.

**رئیس -** مذاکرات گویا کافی باشد لفظ مباشر محل را قبول دارید که اضافه بشود.

**حاج شیخعلی -** ضرر ندارد باشد (مجدداً خوانده شد)

**رئیس -** رأی میکنیم بماده سوم بطریقیکه قرائت شد آقا باینکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب نشد (۳۰ نفر از ۶۲) نفر نمایندگان حاضر رأی داده اند ماده ۴ (ماده ۴ بمضمون ذیل قرائت شد.)

ماده رابعه - در موقعیکه هیئت مصدق تصدیق کمی جنس برای ارزان لازمه شهر نمایند حکومت

باید مطابق صورتیکه از انبار داران گرفته شده و در کتابچه مخصوصی ضبط است اختطاراً الزام میکند که بر حسب تقسیم انبار داران باید از جنس خود بنرخ عادل روزانه برسانند چنانچه پس از اختطار آنها و الزام جنس خود را فروشنده حکومت مکلف است باطلاع انجمن ولایتی و انجمن بلدی درموعد مقرر که از ابتداء معین کرده انبار را باز کرده جنس آنها را بقیمت عادل بفروشد و وجه آن را نقد بدهد کسر تسلیم صاحبان جنس نماید و هر خرواری یک تومان مجازات نقدی از معتکفین دریافت خواهد شد .

تبصره - برای تصدیق کمی جنس و تعیین قیمت عادل هیئتی باسم هیئت مصدق در اداره حکومتی در تحت نظر شخص حا کم مرکب از ۲ نفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایتی و ۲ نفر از اعضاء بلدی و یک نفر از اداره مایه تشکیل خواهد شد تشکیل این مجلس و تعیین جلسات آن بسته بنظر حکومت و اهمیت موقع و لزوم است .

**ادیب التجار -** اینجا مینویسد که درموقعیکه حکومت و بلدیّه احساس کمی جنس بکنند الی آخر باز نوشته است که حکومت حق دارد و در آخرش هم باز گیر دارد او اینستکه نوشته شده بقدریکه لازم است از جنس خود بقیمت عادل روز فروش برساند بر حسب تقسیم بنده اینجا ملتفت نمیشوم بر حسب تقسیم اولاً موقع ضرورت چه موقعی است آن وقتی است که خرواری پنجاه تومان باشد اگر آن موقع را میخواهند بگویند که هیچ بچلو گیری از او نمیشود بجهت آنکه عنوان میکنند که قند جای گران است و چیزهای دیگر از قبیل چرخهای درشکه و کالسکه که از فرنگ آمده است گران است پس گندم هم ممکن نیست خرواری ده تومان بشود بعد از این باید خرواری سی تومان شود و باین دلائل ممکن است بگویند که گندم قیمت عادلش میشود سی تومان چهل تومان پس این را که اختیار میدهد بآن هیئت مصدق یا آن اشخاصیکه تصدیق خواهند کرد برای درد دل فقرا این چاره نخواهد کرد هر وقت بیرون داد بکنند که آفایان نان یک من ۲ قران است میگویند ماهوت زرعی ۴ تومان است مثلا فلان چیز باین قیمت است پس گندم یک من فلاقت را نمیشواید بخورید و باید به نفعی مملکت و وضع حاله رفتار بشود بنده عرض میکنم اگر بخواهند و میخواهند مخصوصاً حضرت مستطاب عالی آقای رئیس که جدیداً دارند که این بگذرد و این نام نیک برای مجلس شورای ملی و این دوره بیاند لهذا بنده باین فقراتش مخالفم و عرض میکنم حالا که آن دو ماده برگشت بکمیسیون اینماده هم برود بکمیسیون و فردا انشاء الله با توجهات حضرت مستطاب آقای رئیس راپورت آن میآید بجنس و آن را میگذرانیم که بلکه اسباب آسایش عموم بشود

**حاج سید ابراهیم -** عرض میکنم بیاناتی که شد خوب است ملاحظاتی در ماده هم بشود در ماده نوشته شده است که در وقت لزوم و بر حسب تقسیم بجهت اینکه فرض که در این شهر در فرنگه یک کی ده هزار خروار یکی پنج هزار خروار غله انبار کرده اند و محتاج الیه مملکت دوهزار خروار است - شود گفت این دو هزار خروار از آن کسبیکه دوهزار

خروار انبار کرده است بنده یا آنکه ده هزار خرواری که ملاحظه آن جنس انبار شده را میکنند و میگویند ششصد و پنجاه خروار آن یا هفتصد خروار بنده و در وقت لزوم هم صحیح است بجهت اینکه تمام مقدمات برای همین وقت لزوم بود و در غیر وقت لزوم محتاج الیه لازم نیست این اقدام بشود البته در غیر آن موقع حکومت نمیتواند که اجباری بگوید بفروشد و اینکه میفرمایند که ما میخواهیم قیمت عادل اش معین شود این یک چیزی است ما نمیتوانیم قیمت معین کنیم و علاوه ملاحظه کنید که ما این قانون را نه فقط بجهت طهران مینویسیم بران تمام ایران می نویسیم باید ملاحظه همه جا را کرد و قیمت عادل هر جایی در همان جا قیمت معین کنیم و باین میزان اسلامیت بگوئیم که نمیتوانید انبار کنید و باید بفروشید که یکمن بقران را یکمن دو قران نکنند مانمی - توانیم قیمت معین بکنیم برای اینکه بااطلاعات محلی و صاحب محل معین میکنند که امروز جنس واردی محل کم است باید فلاقت در بخیز خانه داده شود و یا باهالی خانه ها داده شود وقتیکه معین شد حکومت اطلاع میدهد بقدر ضرورت برادرند از روی همان تقسیم عمل میکنند و رفع حاجت میشود زیاده بر رفع حاجت ما الزامی نداریم هیئت مصدق که در حقیقت هیئت منصفه است آنها هم منبشند و معین میکنند

**رئیس -** مذاکرات کافی است  
**محمد هاشم میرزا -** بنده در یک کلمه که اینجا نوشته شده است عرض داشتم نوشته شده است باطلاع انجمن ایالتی و انجمن ولایتی داشته باشند و این مخالف بجهت اینکه در قیامات فقط بلدی انجمن خواهد داشت یا باید توضیح بدهند که در جایی که انجمن ولایتی هست یا اینکه حذف بشود .

**حاج شیخ اسدالله -** بنده در این جزای نقدی که در آخرش قرار داده اند مخالفم و نمی توانم تصدیق بکنم که یک جزای نقد از برای آنکسکه گندم دارد معین شود ولی تصدیق میکنم که احتکار حرام است و باید اورا الزام و مجبور کرد برش اما قانون که مینویسیم بخصوص این قانون منع احتکار باید قانونی باشد که مطابق با موازین شرعیه بخصوص شارع مقدس اجاز میدهد که در موقع حاجت جنس اورا بفروشد اما دیگر جزای نقدی برای او قرارداد بنده تصویب نمیکنم و اگر هم میخواهند جزائی برای این فرار بدهند یک جزائی غیر از جزای نقدی باید قرارداد نه جزای نقدی .

**حاج شیخعلی -** اول اینکه خواهش دارم که این جزای نقد را کمیسیون قانون نیت اسناد را هم ملاحظه بفرمایند که چقدر در آنجا نوشته شده و علاوه دولت اعلان میکنند که جنس خودتان را بفروشید باین قیمت آنوقت او نمیشود دولت میبرد با آن هیئت مصدق برای نرخ و غیره میفرود این زحمتی که متحمل میشود در فروش و غیره اینها اجرت میخواهند و این برای آن اجرتی است که از طرف دولت مأمور گذاشته اند که این را بفروشد و اینهم خلاف شرع نیست .

**حاج وکیل الرعایا -** مخالف بنده هم هستن مسان مخالف آقای حاج شیخ اسدالله است جویسکه



آقای مخبردارند در قانون ثبت اسناد در آنجا يك جهات مشرومی دارد که مقياس برای اينجا نه شود چون در آنجا محدود است ببعضی اشخاص و اينجا محدود نيست و اين عرض بنده از خود آنواد قانون بيرون میآيد اما اينجا يك مجازات تقدیرامانم توانيم تصديق بكنيم که بگيرند و اگر آن چیزی را که آقای مخبر فرمودند که يك چیزی از باب حق الزحمه و حق العمل بنويسند اگر حق العمل بنويسند ميتوان يك راهی را پيش پيدا کرد و اميدواريم که بعد از اين در اين مملکت بچقوت لفظ جريمه گفته نشده چه بلفظ قانون باشد و اينرا هم عرض ميکنم که بنده بلفظ يك تومان از باب حق الزحمه يساحق العمل ميتوانند بردارند يا خرواری پنجقران مخالف نميشود گفت قيمت گندم يك ميزان نيست فرضاً در جائي است که گندم خرواری يکتومان قيمت تمامی آن باشد الان در ايران هست جاهائیکه خرواری يك تومان است يس خوب است به نسبت قيمت اين حق العمل رامعين بکنيم مثلاً بگوئيم از قيمت فروش صدی ۲ صدی ۵ بيشر ميل داريد بگوئيد صدی ۲۰ اما اصل مبلغ بايد نسبتش بآن چیزی که از فروش بيرون میآيد باشد و نميشود برای اين يك قيمت دائمی را معين کرد که شايد يك وقتی اسباب زحمت باشد .

**حاج سيد ابراهيم** - بنده متذکر ميکنم خان آقاى حاج و کيل الرايا را هين قانونی را که ميفرمايند در حضور عده از علمای در مجلس گذشت و آنها زياد ملتفت بودند که خلاف شرع نباشد دولت می تواند بعنوان ماليات جيزی وضع کند و اين بعنوان قانون مملکتی است و اينجا ميگويد که کسيکه در اينجنس احتکار شده که بايد در اين موقع بفروش ميرسد خرواری يك تومان دولت ميگيرد تا بآنجاي نقدی هم در شرع هيئت تمام ابواب کفارات جزای نقدی است جزای نقدی غير از لفظ جريمه است قانون ثبت اسناد که اينجا گذشت چندين جا جزای نقدی بود که گذشت جريمه غير از جزای نقدی است يعنی کسيکه تخلف از قانون بکند که يازدن است يا کشتن باشد يس اين يك چیزی نيست که مخالف باشد و حق الزحمه هم ميشود عنوانش را گذاشت بهر حال خرواری يك تومان و خرواری پنج هزار هيچ ضرر ندارد و اينجا هائیکه گفتند خرواری يك تومان زياد است و در تمام ايران علی السويه نيست در آنجا احتکار صدق پيدانميکنند و محتاج اليه نميشود تا اينکه کم باشد و گران باشد

**رئيس** - مذاکرات گوياکافی باشد اصلاحی از طرف آقای افتخار الواعظين پيشهاد شده خوانده ميشود (اصلاح مزبور بعبارت ذيل خوانده شد)

بنده پيشهادی کنم که ماده (۴) اينطور اصلاح شود که در موقع که هيئت مصدق تصديق حاجت اهالی را براری کمی آذوقه و تنگی فوت بنمايد الي آخر

**افتخار الواعظين** - اينجا نوشته مادامی که هيئت مصدق تصديق کمی جنس را بکنند کمی جنس ميزانی ندارد ممکن است که حاکم يك مجلسی مطابق آن تعليمی که بمأمورين بندي داده شده است بگويد آنچه مأمورين بلديه تحقيق کرده اند در حالي که خوراک اين شهر که روزی صد خروار است روزی دو خروار کمتر وارد ميشود و بکنند دارها بگويد که شما گنهتان را بفروشيد و اگر فروختند می آيد

می فروشد و آن حق الزحمه را بر ميدارد اينجا ميزان تصديق هيئت مصدق است در هر وقت که مردم محتاجند برای کمی آذوقه و برای تنگی غله آنوقت بايد احتکار بکنند ميزان ما حاجت اهالی است نه اينکه کم بودن شايد در خود شهر کم است و در نيم فرسخی زياد باشد دوست هزار خروار غله در خارج است امروز نياوردند فردا وارد ميکنند مناط حاجت عامه است

**حاج شيخعلی** - در اينصورت مجلس حاجت را خواهند گفت وقتی است که مردم مردند و باين ترتيب نمی توانيم جلو گيری بکنيم و برحمت نيقيتم

**رئيس** - رای می گيريم در قابل توجه بودن اصلاح آقای افتخار الواعظين آقا يانیکه تصويب می کنند قيام نمايند (عده قليلی قيام نمودند)

**رئيس** - قابل توجه نشد اصلاح ديگری از طرف آقای افتخار الواعظين پيشهاد شده قرائت ميشود بنده پيشهاد ميکنم که حق الزحمه مأمورين از قيمت گندم فروخته شده صدو معين گردد

**افتخار الواعظين** - بهمان علتی که آقای حاج و کيل الرايا فرمودند که قيمت گندم اختلاف پيدا ميکنند بهمين جهت بنده پيشهاد کردم صدو و اصراری هم صدی دو ندارم ولی عرض می کنم که ما بايد مناط را قيمت گندم فروخته شده قرار بدهيم حالا ميزان را هر طور که صلاح می دانند که حق الزحمه متوجه باشد بقيت گندم بهر قيمتی فروخته شده است به ميزان قيمت گندم فروخته شد صدی دو صدی سه صدی پنج بگيرند نه اينکه بگوئيم در هر جا خرواری ۱ تومان بگيرند

**رئيس** - مخبر چه ميگويد

**حاج شيخعلی** - صدی دو چنين معلوم ميشود که اگر صدمن را دولت زحمت کشيده فروخت آن وقت از صدمن چهار قران بگيرند چهار قران بيان داری نخواهد بود

**رئيس** - رای می گيريم باصلاح آقای افتخار الواعظين در صدی دو آقا يانی که تصويب ميکنند قيام نمايند (عده قيام نمودند)

**رئيس** - قابل توجه نشد (سه فقره اصلاح ديگر پيشهاد شده قرائت ميشود) (بترتيب ذيل خوانده شد)

(۱) از طرف آقای ميرزا داود خان بمضون ذيل خوانده شد

بنده پيشهاد می کنم که حق الزحمه از قرار ده يك از عين جنس داده شود

(۲) از طرف آقای آقاميرزا ابراهيم قمی بنده پيشهاد می کنم که دولت صدی ده حق ير دارد

(۳) از طرف آقای ادیب التجار بنده پيشهاد می کنم که خرواری يکتومان حق الزحمه بگيرد

**رئيس** - پيشهاد آقای ادیب التجار عين ماده است پيشهاد آقاميرزا داود خان و آقای قمی تقريباً یکی است ولی آقا ميرزا داود خان پيشهاد کرده اند از عين جنس بردارند

**آقا ميرزا داود خان** - عرض کنم آن محظوری که آقای حاج و کيل الرايا گفتند در جا هائی هم که قيمت نازل دارد اين شامل آنها خواهد بود

و با آنها تعدی نشده است - ب علاوه اينکه حق الزحمه را از عين جنس بر دارند بالطبع قيمت جنس را باين خواهد آورد

**حاج شيخعلی** - ما مقصودمان از اين گرفتن دخل دولت نيست مقصودمان حق الزحمه است و صدی ده را بنده زياد می دانم اگر صدی ۵ پيشهاد کنند بنده قبول ميکنم

**آقا ميرزا ابراهيم قمی** - بنده پيشهاد خودم را مسترد می دارم و پيشهاد آقاميرزا داود خان را قبول ميکنم

**رئيس** - رای می گيريم باصلاح آقا ميرزا داود خان که آقای قمی هم قبول کرده است آقا يانی که اين پيشهاد را قابل توجه می دانند قيام نمايند (عده قيام نمودند)

**رئيس** - تصويب نشد

**حاج شيخعلی** - بنده خودم پيشهاد ميکنم که در صدی ۵ از عين جنس داده شود

**رئيس** - رای ميگيريم بخود ماده چهارم بهمين ترتيب با تبصره که خوانده شد آقا يانیکه ماده چهارم را با تبصره تصويب ميکنند قيام نمايند (عده قليلی قيام نمودند)

**رئيس** - تصويب نشد - چند فقره عرايضی که راجع بامتداد مجلس است بارابورت کمیسیون عرايض بانگرافاتنيکه رسیده است جزء دستور امروز است لازم است داخل مذاکره آن بشويم يا برای جلسه بعد بگذاريم (گفتند جلسه بعد در اول جلسه مطرح شود)

**رئيس** - چون وجود وزراء لازم بوده از اينجه سؤال کردم (گفته شد صحيح است)

**رئيس** - يس رای ميگيريم آقا يانیکه تصويب ميکنند جلسه بعد مذاکره بکنيم قيام نمايند (اغلب قيام نمودند)

**رئيس** - تصويب شد - دستور جلسه روز شنبه اول مذاکره در باب تمدید مجلس - بعد رابورت کمیسیون فوائد عامه راجع بتخمس نوغان - ثالثاً رابورت کمیسیون بودجه راجع بارباب لطف الله و ابتهاج السلطنه رابورت قانون شرکها تاروز شنبه نخواهد رسيد جزو دستور بکشنه خواهيم گذاشت و چون کار زياد است خواهش دارم که بکشنه هم مجلس باشد .

**حاج شيخ الرئيس** - پيشهادی بامضای جمعی از نمايندگان تقديم شده برای انعقاد کمیسیون بودجه در پنجشنبه .

**رئيس** - بله راجع بحسام همايون جزء دستور شنبه ميگذاريم خواهش دارم کمیسیون محاسبات روز شنبه منعقد بشود آقای ارباب کبخسرو و ساير مباحثين رابورتي دارند که بايد بکمیسیون بنهند و روز یکشنبه بمجلس بيانده خواهش دارم که روز شنبه صبح کمیسیون محاسبات منعقد شده مجلس یک ساعت و نيم از شب گذشته ختم شد .

جلسه ۳۳۰

صورت ه شرح روز شنبه ۱۹ شهریور

ذيقعدة الحرام ۱۳۲۹

**رئيس** آقای مؤتمن الملک سه ساعت قبل از غروب آفتاب بجای خود جلوس نمودند و پس از ده دقیقه مجال افتتاح شد .